



# ایران در سه ماهه نخست سال ۱۹۹۷ میلادی



معاونت پژوهشی

تیر ۱۳۷۶

کار: دفتر سیاست خارجی، امور امنیتی و دفاعی

گزارش حاضر برگردانی است از The Economist Intelligence Unit, EIU

Country Report, IRAN, 1st Quarter, 1997.

کد گزارش: ۱۴۰۲۴۳۹

## بسمه تعالی

ایران در سه ماهه نخست سال ۱۹۹۷ میلادی<sup>۱</sup>

کد گزارش: ۱۴۰۲۴۳۹

### خلاصه

چشم‌انداز سال ۱۹۹۷: در نزدیک شدن ایالات متحده با ایران تغییری پیش نخواهد آمد، ولی تحریم‌ها در عمل غیر قابل اجرا باقی خواهد ماند. روابط ایران با اروپا و کشورهای خلیج (فارس) مستعد فروپاشی می‌باشد. نزدیک شدن به عراق تحت رهبری صدام حسین مطرح نیست. ولی پیوند با ترکیه مستحکم‌تر خواهد شد. یک نامزد انتخاباتی میانه‌رو تا قبل از انتخابات ظاهر نخواهد شد. ابتکارهای جدید سیاست اقتصادی به بعد از انتخابات آینده موکول می‌شود، ولی اولویت با بازپرداخت وام‌ها خواهد بود. کاهش ارزش ریال در برابر ارزش نرخ ارز صادراتی احتمالاً در سال ۱۹۹۸ صورت می‌گیرد. رشد محصول ناخالص داخلی برای ۱۹۹۷-۱۹۹۸، ۳/۴ درصد پیش‌بینی شده که براساس داده‌های رسمی ۱۹۹۶-۱۹۹۷ و افت ۲/۱ درصد نسبت به سال بعدی به دست آمده است. نرخ تورم در حدود ۲۵-۳۰ درصد باقی خواهد ماند و مازاد حساب جاری قابل توجهی برای هر دو سال ممکن خواهد بود.

صحنه سیاسی: سیاست ایالات متحده برابر ایران تغییر نکرده است. ولی تهران و «بن» کشش‌ها را به حداقل رسانده‌اند و اروپا به سوی مقابله با تحریم‌های ایالات متحده حرکت کرده است. ایران و عربستان سعودی سعی کرده‌اند مسائل همیشگی مربوط به زائران خانه خدا را به حداقل برسانند. ایران سایت‌های موشکی در ابوموسی مستقر کرده است و سومین زیردریایی روسی خود را تحویل گرفته است. آن‌گونه که از علایم حیات کارگزاران سازندگی برمی‌آید، جناح راست در مبارزات انتخاباتی آینده با بیش از یک رقیب روبه‌رو خواهد بود.

اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی: مخارج ممکن است با قیمت‌های واقعی ۷ تا ۱۰ درصد در بودجه سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ بالا برود، که این بودجه براساس میانگین فرضی قیمت ۱۷/۵ دلار برای هر بشکه نفت تهیه شده است. کاهش قابل توجه تورم توسط صندوق بین‌المللی پول تأیید شده است و رشد واقعی محصول ناخالص داخلی در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۷ بالاتر از ۳/۵ درصد تخمین زده شده است. ولی مشکلات در زمینه سطح بالای یارانه، محدودیت‌های واردات و وابستگی به نفت می‌باشد.

نفت و گاز: قیمت بالای نفت در اواخر سال ۱۹۹۶ به اوپک اجازه داد تا در سهمیه تولید برای شش ماه آینده تجدید نظر به عمل آورد. تولید نفت خام ایران به طور متوسط به حدود ۳/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۶ رسید و صادرات نفت به ۲/۵۶ میلیون بشکه در روز رسید. پیشرفت‌هایی در قرارداد گاز با ترکیه حاصل شده، ترکمنستان به پروژه سه جانبه گاز پیوسته و معامله‌ی معاوضه‌ای با قزاقستان به خوبی پیش می‌رود. به توسعه تولید نفت فلات قاره، در کنار گاز اولویت زیادی داده شده است. از بین میادین نفت فلات قاره، توجه بیشتری به دو میدان «سروش» و «پارس جنوبی» معطوف می‌شود.

صنعت و امور مالی: افزایش تولیدات صنعتی در سخنرانی ریاست جمهوری هنگام تقدیم بودجه تأکید شده بود. این افزایش شامل بالارفتن تولیدات پتروشیمی به ۸/۷ میلیون تن در سال نیز می‌شد. ذخیره ارزی با امید بر خورداری از بهره بانکی پایین در جهت اصلاح تنظیمی پافشاری دارد. تجارت خارجی و پرداخت‌ها: حساب جاری از قیمت‌های بالای نفت خام، با صدور بیش از ۱۰/۷ میلیارد دلار در آوریل - سپتامبر و واردات فشرده، بهره‌مند شد. بانک مرکزی میزان وام را ۲۰/۴ میلیارد دلار و کل تعهدات را ۳۳/۷ میلیارد دلار اعلام می‌کند. بانک جهانی با پرداخت اعتباری برابر با ۶۰۰ میلیون دلار موافقت کرده است. تقاضای عضویت ایران در WTO با فشار ایالات متحده متوقف ماند.<sup>۱</sup>

## ساختار سیاسی

نام رسمی جمهوری اسلامی ایران  
سیستم قانونی قانون اساسی ۱۹۷۹، که در سال ۱۹۸۹ اصلاح شد.  
قوه مقننه: مجلس شورای اسلامی با ۲۷۰ عضو، تمام نامزدهای نمایندگی مجلس باید از طرف گروه‌های سیاسی به رسمیت شناخته شده، معرفی شوند و از طرف یک کمیته انتخابات اسلامی مورد تأیید قرار گیرند. کلیه مصوبات مجلس باید از طرف شورای نگهبان مورد تأیید قرار گیرد، که مرکب از ۱۲ عضو می‌باشد. ۶ تن از آنان توسط رهبر مذهبی و ۶ تن دیگر توسط مجلس برگزیده می‌شوند.  
سیستم انتخاباتی: انتخابات عمومی  
تاریخ انتخابات مجلس: مارس، آوریل ۱۹۹۶. انتخابات بعدی آوریل ۲۰۰۰.  
رهبر: آیت‌الله سید علی خامنه‌ای.  
رئیس دولت: رئیس جمهور، که از طریق انتخابات عمومی و برای مدت ۴ سال برگزیده می‌شود. رئیس جمهور فعلی در ژوئن ۱۹۹۳ انتخاب شده و انتخابات بعدی در مه سال ۱۹۹۷ می‌باشد.  
قوه مجریه: شورای وزیران که رئیس جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه در رأس آن قرار دارد. مقام نخست‌وزیر در سال ۱۹۸۹ حذف شد. کابینه در اوت سال ۱۹۹۳ ترمیم شد.  
احزاب سیاسی اصلی: در حال حاضر احزاب سیاسی در اساس فعالیت‌های پارلمانی قرار ندارند. بیشتر نامزدهای انتخاباتی مستقل هستند، هر چند که می‌توان آنها را به عنوان طرفداران برخی جناح‌ها شناسایی کرد.  
رئیس جمهور: علی اکبر هاشمی رفسنجانی  
رئیس مجلس: علی اکبر ناطق نوری

وزرای اصلی	کشاورزی	عیسی کلانتری
	تجارت	یحیی آل اسحاق
	تعاون	غلامرضا شافعی
	دفاع	محمد فروزنده
	اقتصاد و مالی	مرتضی محمدخان
	انرژی	بیژن نامدار زنگنه
	امور خارجه	علی اکبر ولایتی
	علوم عالی	محمد رضا گلپایگانی
	مسکن و شهرسازی	عباس احمد آخوندی
	صنایع	محمد رضا نعمت زاده
	داخله	علی محمد بشارتی
	امنیت داخلی	علی فلاحیان خوزستانی
	فرهنگ و ارشاد اسلامی	مصطفی میر سلیم
	دادگستری	اسماعیل شوشتری
	کار و امور اجتماعی	حسین کمالی
	معدن و فلزات	محمد حسین محلوچی
	نفت	علامه رضا آقازاده
	راه و ترابری	علی اکبر ترکان
	رئیس بانک مرکزی	محسن نوربخش
ساختار اقتصادی (آخرین ارقام موجود)		

شاخص های اقتصادی <sup>۱</sup>	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶ <sup>۲</sup>
محصول ناخالص داخلی، میلیارد ریال	۶۶/۵	۹۳/۸	۱۳۰	۱۸۴/۲	۲۴۸/۱
رشد واقعی محصول ناخالص داخلی %	۶/۸	۲/۶	۱/۸	۴/۲	۲/۶
تورم قیمت مصرف کننده %	۲۵/۷	۲۱/۲	۳۱/۵	۴۹/۲	۳۰
جمعیت میلیون (نیمه سال)	۵۷/۲	۵۸/۵	۵۹/۸	۶۱	۶۲/۳
صادرات فوب / میلیارد دلار	۱۹/۸۷	۱۸/۰۸	۱۹/۴۳	۱۸/۳۸	۲۱/۳۳
واردات فوب / میلیارد دلار	۲۳/۲۷	۱۹/۲۹	۱۲/۶۲	۱۲/۶۸	۱۳/۳۱
حساب جاری / میلیارد دلار	-۷/۲۲	-۵/۴۸	۴/۳۶	۳	۵/۰۶
کل وام های خارجی / میلیارد دلار	۱۶/۰۳	۲۳/۳۶	۲۲/۷۱	۳۰/۰۲	۲۵/۵۵
دارایی ها / میلیارد دلار	۵/۷۸۹	۵/۵۰۴	۶/۴۹۲	۸/۶۰۳	۹/۲۱۴ <sup>۳</sup>
تعهدات / میلیون دلار	۹/۰۴۶	۸/۵۹۳	۱۰/۰۵۵	۱۱/۷۱۸	۱۰/۵۱۰ <sup>۳</sup>
تولید نفت / میلیون بشکه در روز	۳/۴۳	۳/۶۵	۳/۶۱	۳/۵۷	۳/۶۷
نرخ ارز / ریال به دلار	۶۵/۵۵ <sup>۴</sup>	۱/۱۷۰۰۱۴ <sup>۵</sup>	۱/۷۴۸۰۷۵	۳۰۰۰	۳۰۰۰

۲۱ فوریه ۱۹۹۷ ۱ دلار = ۳۰۰۰ ریال<sup>۶</sup>

۱. سال ایرانی از ۲۱ مارس شروع می شود.

۲. برآوردهای EIU

۳. ژوئن فعلی

۴. نرخ رسمی، دیگر نرخ های کاربردی

۵. شامل نرخ رسمی است تا ۲۱ مارس ۱۹۹۳، که سیستم نرخ چندگانه ارز، یکسان شد. از آن پس نرخ رسمی ارز شناور مورد استفاده قرار گرفت.

۶. نرخ صادرات که در ۱۷ مه ۱۹۹۵ عرضه شد.

منشأ تولید ناخالص داخلی ۱۹۹۴-۱۹۹۵ درصد کل

۱۸/۶	نفت
۲۱/۳	کشاورزی
۱۴/۱	معادن و تولیدات
۴/۲	ساختمان و خدمات رفاهی
۶/۲	حمل و نقل و ارتباطات
۳۵/۶	دیگر خدمات
۱۰۰	تولید ناخالص داخلی

اجزای تولید ناخالص داخلی ۱۹۹۵-۱۹۹۴

درصد کل

۵۳/۶	مصرف خصوصی
۱۵/۲	مصرف عمومی
۲۱/۵	تشکیل ناخالص سرمایه
۱/۷	تغییر در موجودی کالا
۳۰/۱	صدور کالا و خدمات
-۲۲/۱	واردات کالا و خدمات
۱۰۰	تولید ناخالص داخلی با قیمت های بازار

میلیون دلار	واردات اصلی (مبنای گمرک) ۱۹۹۴-۱۹۹۳	میلیون دلار	صادرات اصلی (مبنای گمرک) ۱۹۹۴-۱۹۹۳
۱۲/۵۶۷	مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای	۱۴/۳۳۳	نفت و گاز
۵/۰۸۵	کالاهای سرمایه‌ای	۱/۳۸۴	فرش
۲/۲۳۳	کالاهای مصرف‌کننده	۶۷۵	میوه (تازه و خشک)
۲۰/۰۳۷	کل شامل سایر	۳۹۹	آهن و فولاد
۱۸/۰۸۰		۱۸/۰۸۰	کل شامل سایر
درصد کل	منشأ اصلی واردات	درصد کل	مبدأ اصلی صادرات ۱۹۹۵
۱۴/۷	آلمان	۱۳/۸	ژاپن
۷/۹	امارات متحده عربی	۸/۶	ایتالیا
۵/۹	ژاپن	۶/۸	فرانسه
۵	فرانسه	۶/۱	کره جنوبی
۴/۷	انگلستان	۴	آلمان
۴/۶	ایتالیا	۳/۴	هلند
۴/۵	آرژانتین	۲/۹	یونان
۴۱/۳	کل اروپا	۳۲/۸	کل اروپا

در نزدیک شدن با امریکا تغییری به وجود نخواهد آمد: به نظر نمی‌رسد مقامات کلیدی در دولت جدید ایالات متحده روابط ایران و این کشور را مورد بررسی مجدد قرار دهند. وزیر خارجه جدید، «مادلین آلبرایت» حتی حمایت خود را از سیاست موجود دولت ایالات متحده مبنی بر سیاست تحدید نفوذ دو جانبه با ایران و عراق را تأیید کرد. هیچ گروه فشار یا مجمعی در واشنگتن وجود ندارد که به اصلاح این سیاست علاقمند باشد و در میان افکار عمومی نیز علاقمندی مختصری موجود است که نمی‌تواند اهرم لازم جهت تغییر این سیاست را به وجود آورد. برخی از صاحب‌نظران سیاست خارجی اعتبار درازمدت سیاست تحدید نفوذ دو جانبه را زیر سؤال قرار داده‌اند، ولی برای کنار گذاشتن این سیاست باید تغییرات اساسی یا درخود منطقه خاورمیانه رخ دهد، یا این که چشم‌انداز تعیین‌کنندگان سیاست خارجی ایالات متحده تغییر نماید. در آینده قابل پیش‌بینی، گروه فشار طرفدار اسرائیل در واشنگتن، کمیته امور عمومی امریکا و اسرائیل AIPAC، نفوذ زیادی را در هر دو مجلس کنگره و قوه مجریه اعمال خواهد کرد تا مقامات اجرایی کماکان به ایران فشار آورند.

تحریم‌ها در عمل غیر قابل اجرا مانده‌اند: مهم‌ترین حرکت سیاستمداران ایالات متحده در مبارزه برای محدود کردن فعالیت‌های ایران، یعنی قانون تحریم‌های ایران و لیبی در ۱۹۹۶، هنوز در عمل اجرا نشده‌اند. این قانون خواستار آن است که تحریم‌ها شامل شرکت‌های غیر امریکایی، که ۴۰ میلیون دلار یا بیشتر در سال در صنعت «هیدرو کربن» ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند، نیز بشود. رهنمودهایی که اخیراً از طرف وزارت امور خارجه ایالات متحده منتشر شد، در جهت روشن کردن بندهای قانون اولیه کاری از پیش نبرد. در حالی که کشورهای نظیر کانادا و انگلستان تا کنون قوانینی وضع کرده‌اند تا از شرکت‌ها در برابر قوانین فراسرزمینی حمایت کنند. اروپا نیز مقرراتی را تهیه دیده است تا حتی شهروندان غیر دولتی را که در داخل مرزهای اروپا فعالیت می‌کنند، در مقابل این قانون حمایت کند.

به اجرا در آوردن قانون تحریم‌ها در مقابله با چنین مخالفت‌هایی ایجاب می‌کند که ایالات متحده نمایش هماهنگی از خواست سیاسی خود را به مرحله عمل درآورد و ریسک بحران در روابط با بعضی از بزرگترین متحدان خود را با رضا و رغبت بپذیرد. در شرایط جاری دولت احتمالاً مایل است از چنین برخوردهایی اجتناب کند و این باعث خواهد شد که تحریم‌ها در عمل غیر قابل اجرا بشوند.

بستن شکاف با اروپا مشکل خواهد بود: در ایران کشمکش مداوم بین کسانی که منافع‌شان در روابط پایدار با طرف‌های تجاری در اروپاست و کسانی که به اختلافات با غرب دامن می‌زنند، مانع از حل نهایی مشکلات جاری خواهد شد. روابط با آلمان به علت محاکمه متهمین به قتل مخالفان کرد ایرانی در یک رستوران در برلین، در سال ۱۹۹۲ دچار کشش شده است. طی دادخواست ارائه شده، تقاضای حبس ابد برای کلیه متهمان، از جمله یک ایرانی شده است. با این همه به نظر می‌رسد دولت‌های ایران و آلمان مشتاق هستند علایق تجاری محکمی را که دارند حفظ کنند و امید می‌رود وزیر امور خارجه آلمان سیاست حفظ «مذاکرات خطرناک» با ایران را همچنان به پیش ببرد. با وجود این عوامل رادیکال در ایران، که مظهر آن روحانی جناح راست آیت‌الله احمد جنتی می‌باشد، نیز مصمم هستند بین تهران و غرب شکاف بیندازند.

ماجرای رشدی سیاستمداران را دچار عدم تعادل کرده است: نمونه فعالیت‌های مخرب جناح راست، تصمیم

اخیر بنیاد پانزده خرداد است که جایزه قاتل بالقوه سلمان رشدی، نویسنده انگلیسی داستان جنجالی آیه‌های شیطنانی را به ۲/۵ میلیون دلار افزایش داد. این حرکت وضعیت موجود بین ایران و اروپا را به طور اساسی تحت تأثیر قرار نخواهد داد، زیرا دو طرف به یک مصالحه در مورد تعهد ایران دست یافته‌اند که بر مبنای آن ایران در صدد قتل نویسنده مورد نظر بر نخواهد آمد. مع‌ذالک این به آن معناست که ماجرای رشدی، علی‌رغم تأثیر عملی محدود بر روابط اقتصادی، کماکان برای سیاستمداران اروپا مزاحمت ایجاد می‌کند. روابط منطقه‌ای بی‌ثبات باقی خواهد ماند: روابط ایران با همسایگانش نیز مستعد رودرویی‌های بیشتری است. علی‌رغم نشانه‌هایی از مواضع آشتی‌جویانه اخیر از طرف دولت سعودی و کوشش در جهت به حداقل رساندن احتمال دخالت ایران در بمب‌گذاری در پادگان سربازان امریکایی در عربستان سعودی در ژوئن سال ۱۹۹۶، ریاض کماکان به ایران به دیده تهدیدی درازمدت به موقعیت این کشور در خلیج می‌نگرد. بحرین که قویاً در داخل مدار عربستان سعودی قرار دارد، منعکس‌کننده این درگیری خواهد بود. دیگر کشورهای منطقه بین نگرانی از مقاصد ایران و آسودگی از این که ایران به عنوان شکننده سلطه‌جویی عربستان سعودی در منطقه عمل می‌کند، متزلزل هستند. به طور مثال، امارات متحده عربی به محکوم کردن تشریفاتی کنترل ایران بر سر جزیره ابو موسی و دو تنب در خلیج (فارس) ادامه می‌دهد، ولی در داخل فدراسیون امارات متحده عربی، در حالی که دولت ابوظبی بر ادعای خود پافشاری می‌کند، دبی روابط تجاری مستحکمی با ایران ایجاد کرده است.

روابط با عراق: به نظر نمی‌رسد روابط با عراق در دو سال آینده موقعیت مستحکم‌تری پیدا کند. موضع هر دو طرف در بازگرداندن اسرای جنگ ۱۹۸۰-۱۹۸۸ امری کلیدی خواهد بود ولی حتی اگر این مسئله به طور کامل حل شود و علی‌رغم این که هر دو کشور هدف سیاست تحدید نفوذ دو جانبه از طرف ایالات متحده هستند، دو کشور دارای اهداف مشترکی نخواهند بود. داستان طولانی خصومت بین آنها و اثرات زخم‌های ناشی از برخورد اخیر در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۸ علاوه بر عوامل دیگر، سال‌های زیادی می‌طلبد تا کاملاً التیام یابد. ولی تا زمانی که رژیم بعثی صدام حسین در عراق قدرت را در دست دارد، نزدیکی کامل سیاسی محال به نظر می‌رسد. هر رئیس‌جمهور ایرانی که روابط نزدیک و کامل با صدام را بپذیرد، مرتکب خودکشی سیاسی شده است. عراق به متهم کردن ایران به پذیرفتن گروه‌های مخالف کرد ادامه خواهد داد، که تا حدودی نیز واقعیت دارد، در حالی که ایران نیز با این ادعا که عراق با جمعیت شیعه این کشور بد رفتاری می‌کند - این نیز تا حدودی توجیه شده است - عمل متقابل انجام می‌دهد. ادامه حضور مجاهدین خلق، گروه مخالف ایران، در عراق مانع بیشتری برای بهبود در روابط خواهد بود.

منظره روابط با ترکیه تا اندازه‌ای متفاوت است: برعکس، بین ایران و رقیب غیر مذهبی آن، یعنی ترکیه در کوتاه مدت تا میان مدت چشم‌انداز روابط بهتری موجود است. وجود «نجم‌الدین اربکان»، نخست‌وزیر اسلام‌گرا در ترکیه، به هموارسازی در جهت بهبود روابط کمک کرده است ولی کارهای مقدماتی، آنچه که امروزه یک تصمیم خوب سیاستی نامیده می‌شود، هنوز باقی است. نتایج ملموس بهبود روابط در حل سریع مسائل مرزی، مانند نفوذ کردها و قاچاق و افزایش سطح تجارت مشاهده خواهد شد.

انتخابات ریاست جمهوری همه را به خود مشغول کرده است: مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری که در اواخر ماه مه صورت می‌گیرد علی‌رغم این که به طور رسمی تا قبل از ماه پیش از روز رای‌گیری ممنوع می‌باشد درگیر شده است. کاندیدای محافظه کار دست راستی، رئیس مجلس، علی‌اکبر ناطق‌نوری هم در مطبوعات

ایران و هم در مطبوعات بین‌المللی به عنوان برنده احتمالی شناخته شده است به هر حال پیش بینی EIU در مورد عملکرد اقتصاد ایران بر این فرض استوار است که نتیجه انتخابات یک نتیجه از پیش تعیین شده نیست و در نظام سیاسی هیچ‌گونه اتفاق نظر در مورد جانشینی هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور فعلی وجود ندارد. آقای رفسنجانی هیچ جانشینی را آشکارا برای خود برنگزیده ولی از زمان انتخابات مجلس در مارس ۱۹۹۶ به نفع سیاست‌های خویش فعالیت کرده است و بر افزایش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی در جهت حمایت آنها نظارت می‌کند.

هنوز امکان ظهور یک کاندیدای میانه‌رو وجود دارد: مبارزه انتخاباتی رئیس‌جمهور عملاً به نفع یک کاندیدای آتی از جناح اصلاح طلب مردان سیاسی خواهد بود که احتمال معرفی او هست. در حالی که در دو نوبت انتخابات گذشته آقای رفسنجانی در مقابل کاندیداهایی قرار گرفته بود که عملاً نمایندگان «مخالفان و فادار» بودند و کل نظام از او حمایت می‌کرد، آقای ناطق‌نوری به طور مشخص حمایت عده‌ای از چهره‌های رده بالای نظام را به دست نیاورده است. از این گذشته ائتلاف مقامات میانه‌رو یعنی کارگزاران سازندگی که از کاندیداهای اصلاح طلب در انتخابات ۱۹۹۶ مجلس و با توافق ریاست‌جمهوری، پشتیبانی می‌کرد، اخیراً مجدداً در صحنه حاضر شده و انتظار می‌رود که یک نامزد انتخاباتی معرفی کند.

اعلام نامزد انتخاباتی ممکن است تا شروع رسمی مبارزات در ماه آوریل به تأخیر بیفتد تا امکان حمله به او از طرف جناح راست نیز به تأخیر بیفتد. چندین نامزد احتمالی وجود دارد، ولی برای باقی ماندن آنها در دور مبارزات موانع جدی موجود است، مادامی که نخست‌وزیر سابق، میرحسین موسوی، تصمیم خود را مبنی بر عدم شرکت در انتخابات پس نگرفته است، کاندیدای میانه‌رو احتمالاً کسی خواهد بود که در مبارزات اولیه پیش از انتخابات چهره شاخصی نداشته است. در حال حاضر به نظر غیرمحمول می‌آید که محمدخاتمی، وزیر سابق ارشاد و فرهنگ اسلامی حمایت کارگزاران سازندگی را به دست آورد.

حرکت‌های سیاست اقتصادی به نتیجه انتخابات بستگی دارد: اهداف سیاست اقتصادی جدید تا قبل از نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری در ماه ژوئن اعلام نخواهد شد. انتظار می‌رود بودجه سال ۱۳۷۶ (۱۹۹۷-۱۹۹۸) در پایان مارس و اساساً به همان شکل که مجلس تصویب کرده است، به نتیجه برسد. در این بودجه کل مخارج ۱۸۸/۱۵۰ میلیارد ریال (۶۲/۷ میلیارد دلار با نرخ ارز صادراتی ریال ۳۰۰۰ = ۱ دلار) است که این رقم براساس پیش‌بینی ما درباره تورم، نشانگر افزایش واقعی مخارج نسبت به سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ در حدود ۷ درصد می‌باشد.

ورای بودجه جدید، هرگونه سیاست ابتکاری در آینده بستگی به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری دارد. روند سیاست عمومی مطابق برنامه توسعه ۵ ساله دوم خواهد بود، که تا سال ۲۰۰۰ ادامه دارد. ولی این که برنامه با چه اشتیاقی دنبال شود، به رئیس‌جمهور جدید بستگی خواهد داشت. اصلاح طلبان، که تعداد آنها در مجلس زیاد است و همچنین تکنوکرات‌هایی که رئیس‌جمهور فعلی در سیستم اداره خود از آنها بهره می‌جوید، مایل هستند از نامزد انتخاباتی دیگری به غیر از آقای ناطق‌نوری حمایت کنند. ولی حتی آقای ناطق‌نوری نیز باید در بعضی زمینه‌ها، برای حفظ ثبات دولت، به اصلاح طلبان امتیازاتی بدهد.

بازپرداخت وام‌ها همچنان در اولویت قرار دارد: مستقل از این که ریاست‌جمهوری آینده چه کسی باشد، بازپرداخت وام‌های خارجی اولین نگرانی دولت خواهد بود. با توجه به موفقیت دولت در بازپرداخت به موقع بخش قابل توجهی از دیون خود در دو سال گذشته، به منظور تسهیل بازپرداخت اصل و بهره وام‌ها در

چهار تا پنج سال آینده به منابع مالی بیشتری نیاز خواهد داشت. حقیقت این است که قیمت‌های بین‌المللی نفت در حدود ۱۸/۵ دلار برای هر بشکه یا بیشتر برای سال ۱۹۹۷ پیش‌بینی می‌شود، که می‌تواند برای طلبکاران ضمانت محسوب شود، ولی اساس سیاست باید تولید مازاد بالای حساب جاری جهت پوشاندن اصل و فرع وام‌ها باشد.

رشد ۳/۴ درصد برای سال ۱۹۹۷ پیش‌بینی می‌شود: درآمد بالای نفت دولت را قادر ساخته است بودجه‌ای جهت پروژه‌های سرمایه‌ای اختصاص دهد و هم زمان یک مازاد چشم‌گیر حساب جاری جهت پرداخت تعهدات وام در سال ۱۹۹۶ فراهم آورد. هرچند که داده‌های رسمی ایران ممکن است غلوآمیز باشد، رشد واقعی محصول ناخالص داخلی (به قیمت‌های ثابت) در سال منتهی به مارس ۱۹۹۷ احتمالاً به طور رسمی حدود ۳/۵ تا ۴ درصد خواهد بود. که این رقم ما را به آنجا رهنمون می‌شود که در رشد تخمینی خود بازبینی به عمل آورده و آن را ۳/۶ درصد بدانیم. اگرچه قیمت‌های نفت تا اندازه‌ای در سال جاری تا ماه مارس ۱۹۹۸ کاهش می‌یابد، این قیمت‌ها کاملاً آن قدر بالا خواهد بود که پیش‌بینی مخارج سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ بودجه و بازپرداخت وام‌ها را تأمین نماید. بنابراین انتظار می‌رود که رشد مصرف و سرمایه‌گذاری دولت تقریباً برابر رشد سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ باشد. ضمن آن که حجم واردات نیز به رشد مثبت خود، ولو براساس سطح تاریخی پایین آن، ادامه دهد و این به پیش‌بینی رشدی معادل ۳/۴ درصد در محصول ناخالص داخلی منجر می‌گردد. تورم بین ۲۵ تا ۳۰ درصد باقی خواهد ماند: براساس داده‌های بانک مرکزی نرخ تورم سالانه در سه ماهه ژوئیه- سپتامبر ۱۹۹۶ برابر با ۲۵/۳ درصد است و این کمتر از نصف رقم تورم در مدت مشابه در سال ۱۹۹۵-۱۹۹۶ می‌باشد. تورم تخمینی ما بالاتر از این است، زیرا عوامل اضافی دیگر و شواهد آشکار از مناطقی را که کمبود در آنجا حادث است، را به حساب می‌آورد. مع‌هذا نرخ تورم ۳۰ درصد برای سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ نشانه روند نزولی است که می‌توان انتظار داشت در سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ نیز ادامه یافته و برطبق پیش‌بینی به ۲۵ درصد برسد. با این حال اگر در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۹ درآمد نفت مجدداً کاهش یابد و وضعیت مالی دولت، در زمانی که ریال همچنان تحت فشار است، وخیم شود، تورم می‌تواند دوباره به میانگین ۳۰ درصد برسد.

کاهش ارزش نرخ صادرات محتمل است: رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد که نرخ ارز صادراتی و نرخ رسمی به ترتیب ۳,۰۰۰ ریال = ۱ دلار و ۱۷۵۰ ریال = ۱ دلار تا مارس ۱۹۹۸ باقی می‌ماند. با این حال در ماه‌های اخیر نرخ غیررسمی ریال در بازار به ۴۸۰۰ = ۱ دلار رسید، در حالی که در طول چند ماه در ۴۳۰۰ = ۱ دلار ثابت مانده بود. از آنجا که این کاهش ارزش ریال به آن معناست که بانک مرکزی فقط می‌تواند به هدف مقرر شده و حدت نرخ ارز از طریق تنزل جدی ارزش پول دست یابد، احتمال این است که بانک دست کم تا مارس ۱۹۹۹ نرخ چندگانه را حفظ کند. ولی از آنجا که افزایش صادرات غیرنفتی در این مدت از فوریت بیشتری برخوردار می‌شود، انتظار داریم که نرخ صادراتی در سال ۱۹۹۸ کاهش یافته و احتمالاً به حدود ۳۷۵۰ ریال = ۱ دلار برسد و حال آن که نرخ غیررسمی به حدود ۵۵۰۰ = ۱ دلار در پایان سال برسد.

انتظار افزایش مازاد حساب جاری می‌رود: با توجه به این که درآمد صادرات در سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ احتمالاً به رقم ۲۱/۳ میلیارد دلار، به حداکثر خود، افزایش یافته است. این رقم در عین حال بازتابی از افزایش قیمت نفت جهانی و سطح پایین واردات در حدود ۱۳/۳ میلیارد دلار است؛ برآورد می‌کنیم که مازاد حساب جاری برای سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ ۵/۱ میلیارد دلار باشد. در طول دو سال آینده، به علت قیمت پایین نفت، رشد اندک

صادرات غیر نفتی و سست شدن تدریجی کنترل بر واردات، مزاد حساب جاری از این سطح پایین تر خواهد رفت. پیش بینی می شود که صادرات نفت خام در هر یک از دو سال آینده ۱۶/۵ میلیارد دلار باشد، که خود درآمد کل صادراتی را به حدود ۲۰ میلیارد دلار افزایش خواهد داد. در مدتی که واردات به تدریج در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۹ به ۱۴/۳ میلیارد دلار می رسد و با موازنه تجاری به میزان حدود ۶ میلیارد دلار در هر سال و کسری ۳ تا ۳/۵ میلیارد دلار در موازنه انتقال های نامرئی و جاری، مزاد حساب جاری در سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ به حدود ۳ میلیارد دلار می رسد که در سال پس از آن به ۲/۷ میلیارد دلار کاهش می یابد.

### خلاصه پیش بینی

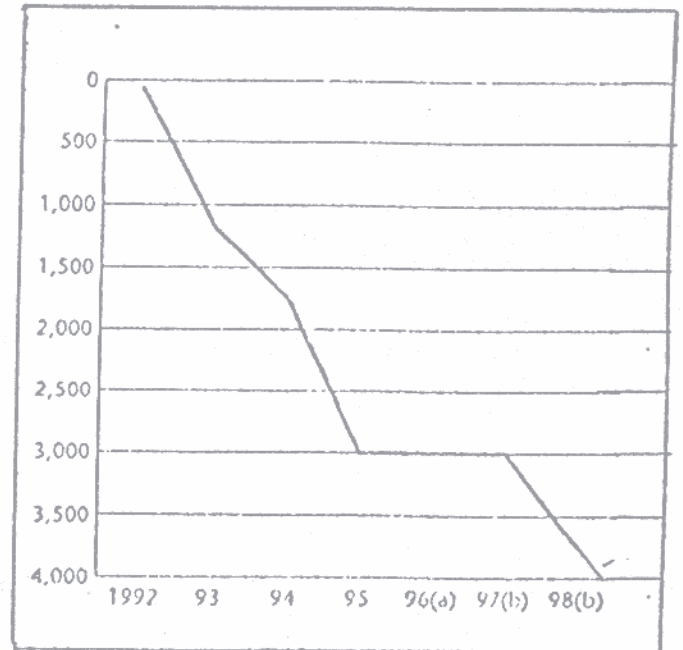
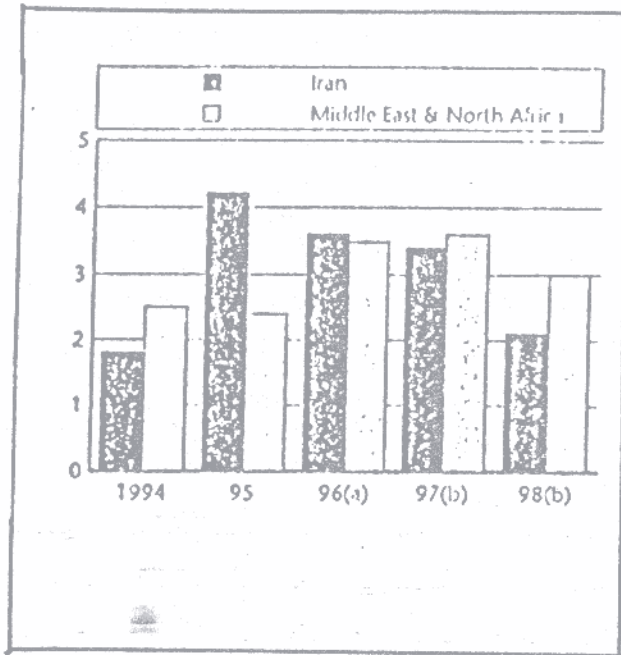
(به میلیارد دلار، مگر آن که در مواردی غیر از آن ذکر شود. سال ایرانی از ۲۱ مارس آغاز می شود)

۱۹۹۸ <sup>۳</sup>	۱۹۹۷ <sup>۳</sup>	۱۹۹۶ <sup>۲</sup>	۱۹۹۵ <sup>۱</sup>	
۲/۱	۳/۴	۳/۶	۴/۲	رشد واقعی محصول ناخالص داخلی (%)
۳۰	۲۵	۳۰	۴۹/۷	نورم قیمت های مصرف کننده (%)
۲۰/۵	۱۹/۹	۲۱/۳	۱۸/۴	صادرات کالای (فوب) از جمله:
۱۶/۳	۱۶/۵	۱۷/۵	۱۵/۱	صادرات نفت
-۱۴/۳	-۱۳/۸	-۱۳/۳	-۱۲/۷	واردات کالا (فوب)
۶/۲	۶/۱	۸	۵/۷	موازنه تجاری کالا
۲/۷	۳	۵/۱	۳	حساب جاری
۳/۸۰	۳/۶۹	۳/۶۷	۳/۵۷	تولید نفت (میلیون بشکه در روز)
۳۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰	نرخ ارز صادراتی (میانگین ریال: دلار)

۱- فعلی      ۲- تخمین EIU      ۳- پیش بینی EIU

تولید ناخالص داخلی  
درصد تغییرات سالانه

نرخ مبادله‌ای ریال  
ریال: دلار؛ مقیاس معکوس



۵- میانگین نرخ رسمی ۱۹۹۲-۱۹۹۳ ترکیب نرخ رسمی و نرخ بازار آزاد در ۱۹۹۴ از ۱۹۹۵ میانگین جدید رسمی سالانه.

منبع: IMF, EIU. آمار مالی بین‌المللی.

در دوره دوم ریاست جمهوری آقای کلینتون تغییری رخ نخواهد داد: بیل کلینتون که دوره دوم ریاست جمهوری را در ژانویه آغاز نموده و کابینه ترمیم شده‌اش به نظر نمی‌رسد که سیاست جدیدی در ایران اتخاذ کند. برخی از مقامات رسمی عنوان کردند که گماردن سفیر سابق ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل به وزارت امور خارجه، به جای وارن کریستوفر، مبشر کمتر تهاجمی شدن سیاست آمریکا در برابر ایران است. در ایران به آقای «کریستوفر» به عنوان کسی نگریسته می‌شود که دارای تمایلات مخالف ایران است. زیرا با رئیس جمهور سابق آمریکا، «جیمی کارتر»، که به علت بحران گروگان‌گیری در سفارت ایالات متحده در تهران در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۸۰ شکست خورد، روابط نزدیک دارد. چنین امیدواری‌هایی با اعلام حمایت خانم «آلبرایت» از «سیاست تحدید نفوذ دو جانبه» کلینتون و کابینه او در ایران از بین رفت. به رغم شایعات در واشنگتن و دیگر نقاط: موضوع پایبندی مستمر ایالات متحده آمریکا به سیاست تحدید نفوذ دو جانبه‌اش، در محافل سیاست خارجی در واشنگتن در هفته‌های اخیر کماکان مطرح بوده است. شماری از تحلیل‌گران شاخص سیاست خارجی بر این نظر بودند که این سیاست ممکن است مورد بازبینی قرار گیرد و بیانیه‌های صادره از جانب مقامات دولتی در نوامبر به احتمال وقوع این شایعه دامن زد. سفیر قبلی ایالات متحده آمریکا در عربستان سعودی، «ریچارد مورفی» به خبرنگار رادیو عمومی ملی ایالات متحده (NPR) گفت که دولت باید در سیاست تحدید نفوذ دو جانبه خود، به ویژه در موضوع مجازات‌های اقتصادی علیه ایران تجدیدنظر کند.

این شایعه به رغم شاخص‌های روشن مبنی بر عدم قصد دولت کلینتون در بازبینی موضع خود ادامه یافت. مخالفت‌های ایالات متحده با تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO) در ماه دسامبر تنها نشانه تأیید وضع موجود است.

دادگاه بین‌المللی عدالت خود را برای بررسی دعوای مطروحه از جانب ایران ذی‌صلاح می‌داند: اگرچه دولت ایالات متحده دولت ایران را رژیم «تروریست» می‌داند و براین طبقه‌بندی پافشاری می‌کند، با این حال اولیای امور در تهران راه‌هایی می‌یابند تا نشان دهند که مرعوب فشارهای ایالات متحده نگشته‌اند و به این رویه ادامه می‌دهند. در ۱۲ دسامبر دادگاه بین‌المللی عدالت (ICJ) در لاهه، خود را برای بررسی شکایت ایران از ایالات متحده آمریکا در مورد تخریب سه واحد از تأسیسات نفتی ایران در خلیج (فارس) در سال‌های جنگ ایران و عراق در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۸ به وسیله نیروهای ایالات متحده ذی‌صلاح دانست. این تصمیم در تهران پیروزمندانه با استقبال مواجه شد، ولی انتظار نمی‌رود که این دعوی در این قرن حل و فصل شود.

شکایت ایران علیه تخریب سکوهای نفتی در خلیج (فارس) توسط ایالات متحده: شکایت ایران به عملیات انتقامجویانه ایالات متحده علیه سکوهای ایران مربوط می‌شود که ظن آن می‌رفت به عنوان پایگاه‌های قایق‌های توپدار ایرانی در حمله به کشتیرانی بین‌المللی در اواخر جنگ ایران و عراق مورد استفاده قرار گرفته باشد. کشتی‌های کویتی که به زعم ایران «اهداف دشمن» بودند، زیرا کویت از عراق پشتیبانی لجبستیکی و سیاسی می‌کرد، به منظور پشتیبانی از عراقی‌ها، با پرچم ایالات متحده آمد و شد می‌کردند، ولی این نیرنگ فرماندهان پاسدار انقلاب را که در خلیج (فارس) با قایق‌های کوچک توپدار به عملیات دست

می‌زند، مرعوب نکرد. نیروهای نظامی ایالات متحده یکی از سکویهای نفتی را به دنبال حمله به یک تانکر نفت با پرچم ایالات متحده و دو سکوی دیگر را، وقتی که یک ناو «پاسور» با یک مین برخورد کرد بنا به گفته فرماندهی نیروهای امریکایی، نظامیان ایرانی کار گذاشته بودند. از بین بردند.

ایران این مورد را در چارچوب قرارداد دولتی ۱۹۹۵ ایالات متحده - ایران، که در آن مسائل کنسولی و ناوبری مطرح است، عنوان کرده است و حال آن که ایالات متحده امریکا مخالف استفاده از این معاهده در این مورد است و مدعی است که حوادث مورد بحث و اختلاف، خارج از شمول این معاهده است.

مجلس برای مبارزه با «توطئه‌های ایالات متحده» بودجه‌ای اختصاص می‌دهد: اگر برای سطح پایین روابط ایالات متحده - ایران، که ظاهراً بازگشت ناپذیر است، تأیید بیشتر لازم می‌بود، این تأیید را مجلس ایران در ۲۲ ژانویه به دست داد، آن‌گاه که مبالغی را به طور خاص برای «خنثی کردن توطئه‌های ایالات متحده» به تصویب رساند. برحسب این رأی، که بخشی از مباحث بودجه است (نگاه کنید به سیاست اقتصادی و اقتصاد) مبلغ ۲۵ میلیارد ریال از بودجه عمومی را (۱۴/۳ میلیون دلار) برای «کشف، خنثی سازی و بی‌اثر کردن توطئه‌های دولت امریکا و دخالت‌های آن در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران» کنار گذاشت.

محاکمه‌ای در برلین به روابط با آلمان آسیب می‌رساند: قابل پیش‌بینی بود که با محاکمه چهارتن از اتباع لبنان و یک ایرانی، متهم به قتل سه تن از رهبران مخالف کرد در برلین و مترجم آنها در این شهر در ۱۹۹۲، روابط با آلمان زیر فشار قرار خواهد گرفت. در نوامبر، دادپازان آشکارا ریاست جمهور و رهبر کشور، آیت‌الله علی خامنه‌ای را به شرکت در جرم ارتکاب قتل متهم کردند. این اتهامات تظاهراتی را در برابر سفارت آلمان در تهران برانگیخت. دولت ایران کوشیده بود از تنش‌ها بکاهد. ولی آخرین گزارش‌ها از محاکمه، یک دسته از رسانه‌های گروهی بالقوه مستعد آسیب زدن را تشویق کرد، دولت آلمان را مورد حمله قرار دهند.

در ماه دسامبر وزیر اطلاعات ایران، علی فلاحیان خوزستانی که علیه او در مارس ۱۹۹۶ از طرف آلمان حکم بازداشت صادر شده بود، دولت آلمان را متهم کرد که می‌کوشد از جریان دادگاه برای پی بردن به محل «ران آراد»، خلبان مفقود اسرائیلی که هواپیمایش بر فراز جنوب لبنان در سال ۱۹۸۶، ساقط شده بود، استفاده کند. تهران مکرراً اعلام کرده که از آقای آراد هیچ اطلاعی ندارد.

کمیسیون اقتصادی EC می‌کوشد تجارت را حفظ کند: به نظر می‌رسد که به رغم وجود یک منبع تنش با یکی از دولت‌های عضو، کمیسیون اقتصادی عموماً علاقمند است روابط با ایران را در سطح فعلی حفظ کنند و تجارت و سرمایه‌گذاری را، بی‌توجه به اعتراضات دولت ایالات متحده گسترش دهد. واکنش اروپا نسبت به تلاش دولت ایالات متحده در اعمال مجازات علیه شرکت‌های سرمایه‌گذار غیر امریکایی در صنعت نفت ایران در مصوبه شماره ۲۲۷۱/۹۶ شورای کمیسیون اروپا ذکر شده، که در اواخر ماه نوامبر انتشار یافته است. این بیانیه از شهروندان و افراد مقیم دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در برابر اثرات اعمال قانون مجازات‌های ایالات متحده امریکا علیه ایران و لیبی حمایت به عمل آورده و این اثرات را خنثی می‌سازد و صلاحیت قضایی دادگاه‌ها را در خارج از جامعه اروپایی صراحتاً رد می‌کند.

این بیانیه کسانی را که از اجرای این قانون لطمه می‌بینند، برای جبران هر خسارت و نیز هزینه‌های قانونی واجد شرایط می‌داند. بیانیه همچنین علاوه بر اقدام ایالات متحده نسبت به ایران و لیبی، زیان‌های وارده بر کوبا از اجرای قانون ایالات متحده را نیز زیر پوشش قرار می‌دهد.

نسبت به عربستان سعودی برخورد نرم‌تری در شرف انجام است: به نظر می‌رسد که ایران و عربستان سعودی،

رقیب‌های طبیعی یکدیگر در نفوذ در خلیج، برای کاستن از مشکلات بین خود به کوشش‌هایی دست می‌زنند. رقابت بین دو کشور، در زمینه آنچه که هر یک با توجه به مشروعیت مذهبی خود انجام می‌دهند، عمیق‌تر از آن است که ریشه کن گردد، ولی منافع هر دو در این است که از تنش‌های متقابل، هرچاکه امکان آن وجود داشته باشد، بکاهند. پس از بمب‌گذاری در پادگان «الخُبَر» در ژوئن ۱۹۹۶، هر دو دولت در صدد برآمدن از اثرات سوء به میان کشیدن پای ایران در این ماجرا از طرف ایالات متحده، جلوگیری کنند.

اعطای امتیازهایی در مورد مسئله حج: ماه‌های آینده، در روابط سعودی-ایران معمولاً، ماه‌های پرتنشی است، زیرا روابط ایران و عربستان طی موسم مراسم حج، دوره زیارت سالانه خانه خدا در مکه، در غرب عربستان سعودی، به طور سنتی خراب می‌شود. دولت عربستان سعودی تأکید دارد که شمار حجاج هر کشور به همان سهمیه‌ای که سازمان امور حج کنفرانس اسلامی (OIC) تعیین کرده است، محدود شود. از سال ۱۹۷۹ انقلاب اسلامی در ایران، نظام سهمیه‌ای همواره منشأ مجادلات بوده است؛ برعکس، به نظر می‌رسد که اتهامات متقابل مرسوم سالانه در سال ۱۹۹۷ عینیت نخواهد یافت.

مسئول گروه‌های ایرانی که برای برگزاری حج به مکه می‌روند، نامزد ریاست جمهوری جناح راست، محمدری شهری در ماه دسامبر اعلان داشت که سهمیه ایران به وسیله دولت سعودی، که در ۱۹۹۶ محدود به ۶۰,۰۰۰ زائر بوده، برای ۱۹۹۷ به ۱۰۰,۰۰۰ زائر و برای سال ۱۹۹۸، به ۱۵۰,۰۰۰ زائر افزایش یافته است. اگر این افزایش به وسیله مقامات ذی صلاح عربستان سعودی تأیید شود، شاخص مهمی در روابط بهتر است. زائران ایرانی در گذشته تظاهرات رسمی در محکومیت سیاست خارجی ایالات متحده به نمایش گذاشتند که برای دولت سعودی فوق‌العاده ایجاد مزاحمت کرده و دست و پاگیر بوده است. افزایش سهمیه ایرانیان در اعزام زائر ممکن است بازتاب تضمین‌هایی از جانب ایران باشد، که امسال چنین تظاهراتی به وقوع نخواهد پیوست.

بیانیه‌های مثبت از هر دو جانب: در رسانه‌های گروهی دو کشور در ماه‌های اخیر آثاری از فعالیت در تأکید بر منافع متقابل که از بهبود روابط می‌تواند سرچشمه بگیرد، دیده شده است. در این زمینه نقل قول‌هایی از جانب مقامات رسمی آورده شده است و در مطبوعات رسمی عربستان سعودی که معمولاً حالت انتقادی دارند، مقالاتی به چاپ رسیده است حاکی از آن که ایران از روابط بهتر استقبال می‌کند و برای امنیت کشورهای حوزه خلیج (فارس) خطری ایجاد نمی‌کند.

علیه سابقه بالقوه خطرناک: سابقه این نزدیکی فوق‌العاده موقتی، تحقیق درباره بمب‌گذاری در پادگان «الخُبَر» در ژوئن ۱۹۹۶ است. رسانه‌های گروهی ایالات متحده، از بیانیه‌های مقامات دولتی ایالات متحده به این نتیجه رسیده‌اند که دولت امریکا به دست داشتن ایران در حمله به پادگان مظنون است و حال آن که ایرانی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که دولت ایالات متحده زمینه را به این وسیله برای توجیه ضربه نظامی به ایران آماده می‌کند. در واقع، واقعیت امر فوق‌العاده مهم است. از برخی گزارش‌ها چنین برمی‌آید که مدیر دفتر تحقیقات فدرال ایالات متحده (FBI) - از جانب وزارت داخله عربستان سعودی، اطلاعاتی از جمله نوارهای ویدیویی اعترافات مظنون‌هایی را که حاکی از دخالت دولت ایران است، به دست آورده است. برخی از گزارش‌های مطبوعات ایالات متحده حاکی از آن است که مخالفان سعودی از ایران کمک دریافت کرده‌اند و گروه شیعه لبنانی حزب الله، که از جانب ایران پشتیبانی می‌شوند، آنها را آموزش داده‌اند. در عین حال سایر جرایم به نقل از مأموران پنتاگون نوشته‌اند که دولت ایالات متحده دلیلی در دست ندارد که بین بمب‌گذاری

و ایران ارتباطی وجود داشته باشد. به پیچیدگی این تصویر، این نظرات افزوده است که دولت ایالات متحده از نحوه پیشبرد تحقیقات از طرف مقامات سعودی ناراضی است. تحقیق درباره بمب‌گذاری دیگری که علیه یکی از اهداف امریکایی در نوامبر ۱۹۹۵ صورت گرفت، با اعدام چهار مظنون، پس از یک محاکمه سریع و در میان ناراضی‌مستولان (FBI)، که محاکمه را به قدر کافی درگیر نمی‌دانستند، سریعاً پایان یافت.

آرایش موشکی در جزیره ابوموسی خشم شورای همکاری خلیج را برمی‌انگیزد: گفتگوهای پایدار بین ایران و امارات متحده عربی بر سر حاکمیت بر سه جزیره خلیج (فارس)، ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک، در سه ماه تحت بررسی حاضر، به حل و فصل نزدیک‌تر نشده است. موضع دولت ایران آن است که حاکمیت ایران بر سه جزیره گفتگو بردار نیست و حال آن که امارات متحده عربی به پشتیبانی شورای همکاری خلیج (فارس) درخواست کرده است که بحث در این مورد به دادگاه بین‌المللی عدالت (ICJ) در لاهه ارجاع داده شود. دولت ایران در حرکتی حساب شده برای اثبات قاطعیت خود در ماندن در این جزایر، ظاهراً موشک‌هایی را در ماه دسامبر در ابوموسی استقرار داده است. این عمل بلافاصله از جانب شش کشور عضو شورای همکاری خلیج (فارس) و شرکای آنها در پیمان بیانیه دمشق، یعنی مصر و سوریه محکوم شد. شورای همکاری خلیج (فارس) ایران را متهم کرد که آرایش تسلیحاتی ایران حالت تهاجمی دارد. وزیر امور خارجه ایران، علی‌اکبر ولایتی، بدون اشاره به موشک‌ها پاسخ داد که آرایش به عمل آمده در ابوموسی صرفاً جنبه دفاعی دارد. این بگو مگو به پیروی از الگوی موجود مجادلات لفظی دو سال گذشته صورت گرفته که در آن امارات متحده عربی و پشتیبان آن، شورای همکاری خلیج (فارس)، اتهاماتی به ایران وارد می‌سازد و ایران نیز آنها را رد می‌کند و حال آن که روابط تجاری بین ایران و امارات متحده عربی، به ویژه با دوبی، ابداً تحت تأثیر این مجادلات لفظی قرار نگرفته است و دست نخورده باقی مانده است. ایران در حرکتی که مثبت ارزیابی شده است، سفیر جدیدی در ۱۹۹۵ برای ابوظبی تعیین کرده است. این سفیر آقای حسین صدیقی است که به عنوان عضو هیئت مذاکره‌کننده با نمایندگان امارات متحده عربی، در سال ۱۹۹۵ در قطر ملاقات کرد. انتظار می‌رود که روابط، که پیوندهای تجاری محکم به وجود آمده بین مناطق آزاد تجاری ایرانی در خلیج فارس و دوبی، پشتوانه آن است، کاملاً صمیمانه باقی بماند.

سومین زیردریایی ساخت روسیه می‌رسد: در ژانویه دولت اعلان کرد که برای تحویل گرفتن سومین زیردریایی ساخت روسیه آماده می‌شود؛ این زیردریایی به دو زیردریایی دیگر که در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۲ تحویل شده‌اند، اضافه می‌شود. زیردریایی تازه که به ناوگان ایران اضافه می‌شود در ماه نوامبر روسیه را ترک کرده است و در اوایل ژانویه از کانال سوئز گذشته است. این سه زیردریایی از نوع Diesel-Powered Kilo هستند و بخشی از برنامه توان بخشی نظامی بلندمدتی را تشکیل می‌دهند که هدف آن اعاده قدرت نظامی ایران به آغاز جنگ ۱۹۸۰-۱۹۸۸ ایران و عراق است. در این جنگ بیشتر تدارک‌کنندگان نظامی ایران تحریم‌هایی علیه ایران اعمال کردند. گزارش‌های اولیه درباره خرید زیردریایی حکایت از آن داشت که ایران خرید چهار زیردریایی را در برنامه گنجانیده است، از این رو فاصله سه ساله بین رسیدن زیردریایی دوم و سوم به عزم ایران برای حفظ ارزش محکم برای پرداخت بدهی‌های خارجی نسبت داده شده است (به تجارت خارجی و پرداخت‌ها مراجعه شود). موضع ایران برای خرید زیردریایی چهارم هنوز روشن نیست. ایالات متحده امریکا تدارک سه زیردریایی را تا حال حاضر دلیل آشکاری برای جاه‌طلبی‌های خصمانه ایران نسبت به همسایگان عرب خود می‌داند و این خرید ممکن است علاقه امارات متحده عربی

راه تکنولوژی ضد زیر دریایی روشن کند. با این حال درباره کارایی این زیر دریایی ها در یک آبراهه کم عمق نظیر خلیج فارس سؤال هایی مطرح شده است و گفته اند که آنها احتمالاً در راه دورتر، از کارایی بیشتری برخوردار خواهند بود.

روابط با سوریه از نو دچار خدشه شد: جروبحث بر سر سه جزیره خلیج (فارس)، به اتحاد استراتژیک ایران و سوریه لطمه جدی می زند. سوریه همچون مصر، به عنوان یکی از اعضای بیانیه دمشق که پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج (فارس) به وجود آمد، یکی از منابع بالقوه نیروی انسانی لازم برای پشتیبانی از شش دولت عضو شورای همکاری های خلیج (فارس)، در مقابل یک تهدید خارجی به شمار می رود. اگرچه اتحاد «شش به علاوه ۲» فعلاً تنها در نام زنده است، ولی وجود آن به هر شکل یک نماد مهم از رابطه بسیار حسنه ای است که پس از جنگ خلیج (فارس) بین سوریه و شورای همکاری خلیج (فارس) به وجود آمده است و سوریه بر اساس آن می تواند امیدوار باشد کمک خلیج (فارس) را دریافت دارد. همین نشانه ها به مشکلاتی با ایران منجر می شود. در اواخر سال ۱۹۹۵ حمایت سوریه از یک اعلامیه بیانیه دمشق، دایره دعوت از ایران برای پایان دادن به کنترل بر جزایر سه گانه باعث نفاق کوتاه مدت در روابط دو جانبه آنها شد و اعلامیه مشابه دیگری در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۶ نیز همین تأثیر را برجا گذاشت.

پافشاری یک هیئت نمایندگی سوریه برای دیدار از تهران: به منظور جلوگیری از فروپاشی روابط، معاون رئیس جمهوری سوریه، «عبدالحمید خدام» و وزیر امور خارجه این کشور فاروق الشرع در ماه ژانویه از تهران دیدار کردند. آقای خدام طی دیدار خود از تهران با هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور ایران ملاقات کرده و دو دولت در تأکید بر طبیعت پایدار اتحاد خود دچار زحمت بودند. در واقع، بیشتر اظهارات خصمانه نسبت به موضع گیری سوریه درباره جزایر خلیج فارس در ایران، نه از جانب دولت، بلکه از طرف مطبوعات سرسخت نیمه رسمی صورت گرفته است. اگرچه تردید وجود ندارد که وفاداری توأمان سوریه نسبت به ایران و شورای همکاری خلیج (فارس) در آینده مسائل بیشتری را موجب می گردد. با این حال رژیم های دمشق و تهران هنوز منافع مشترک بسیار دارند. آنها هر دو به حزب الله، که با نیروهای اسرائیلی اشغالگر جنوب لبنان می جنگند، علاقمند هستند و ایالات متحده امریکا به هر دو عمیقاً با نظر تردید می نگرد. روابط ایالات متحده با سوریه به شکل چشم گیری از روابط آن با ایران بهتر است و افزون بر آن هر دو دولت از زمره هشت دولتی هستند که در فهرست وزارت امور خارجه ایالات متحده، از آنها به عنوان حامیان تروریسم نام برده شده است.

اسرای جنگی عراق باید آزاد شوند: روابط ناپایدار ایران و عراق، حتی به صورت هفتگی ادامه دارد. اخبار امیدوارکننده مبنی بر این که ایران اجازه آزاد کردن و بازگرداندن ۷۰۰ اسیر جنگی عراق را در دسامبر صادر کرده است، به دنبال خود این خبر را داشت که دولت ایران در آتیه نیز به آزاد کردن اسرا ادامه خواهد داد. به هر حال، این اقدام با رویدادهای دیگری که نشان دهنده بی اعتمادی دیرینه ای است که بر روابط دو کشور حاکم است، خنثی شد.

ایران متهم است که به پسر صدام سوء قصد کرده است: در تاریخ ۱۲ دسامبر، پسر بزرگ صدام حسین به نام «عدی» در حالی که در حومه بغداد رانندگی می کرد، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و زخمی شد. چند روز بعد «عدی» در مصاحبه با خبرنگاری رسمی عراق اشاره ای کرد که از قراین چنین برمی آید که ایران مقصر است. جنبش الدعوه، مخالفان شیعه عراق، که گمان می رود از حمایت ایران برخوردار است، یکی از

دو گروهی بود که سوء قصد به جان پسر صدام را به عهده گرفت و خبرگزاری‌های عراق و بریتانیا نیز ادعا کردند که مسئول این سوء قصد به ایران گریخته است. به هر حال، حتی ممکن است که الدعوه فقط نقش حمایتی در این عملیات داشته باشد و این اتفاق احتمالاً نتیجه نزاع داخلی در خانواده حاکم تکریتی در عراق است. غیر محتمل است که ایران «عدی» حسین را مستقیماً مورد حمله قرار دهد و سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، محمود محمدی، هرگونه نقش ایران در این حمله را تکذیب کرد.

به سازمان مجاهدین خلق حمله می‌کند: در مورد سوء قصد به جان پسر رئیس جمهور عراق حقیقت هرچه باشد، در مورد حمله با خمپاره به محل گروه مخالفان ایران در بغداد در ماه ژانویه، ایران مقصر شناخته می‌شود. در روز هشتم ژانویه سه خمپاره که با مکانیسم ساعتی کنترل می‌شد به سوی دفتر سازمان مجاهدین خلق آتش شد. خمپاره‌ها به هدف اصابت نکرد و به جای آن دو مکان پزشکی و انجمن نویسندگان عراق را مورد اصابت قرار داد که یک عراقی کشته شد. دولت ایران به سازمان مجاهدین خلق به عنوان هدفی قانونی می‌نگرد و مسئولیت مرگ اعضای این سازمان را در سراسر جهان و حملات منظم به مقر سازمان در عراق را به عهده می‌گیرد.

سازمان مجاهدین خلق مبارزه گسترده‌ای را بین افکار عمومی اروپا بر علیه رژیم تهران به پیش می‌برد و یک نیروی نظامی را با حمایت مقامات عراقی، در این کشور مستقر کرده است. چریک‌های مجاهدین خلق گاه‌گاهی به ایران نفوذ کرده و نیروهای امنیتی را مورد حمله قرار می‌دهند، ولی علی‌رغم ادعاهای این سازمان، این گروه از حمایت و اعتبار کمی در داخل ایران برخوردار است. وابستگی دائمی آن به دولت منقرع عراق احتمالاً ادامه چنین وضعیتی را تضمین می‌کند.

ایران متهم به دخالت در پاکستان است: انفجار یک بمب در ماه ژانویه گذشته که باعث کشته شدن رئیس فرقه سنی‌ها در لاهور شد، به درگیری‌های فرقه‌ای در پاکستان دامن زد و به متهم کردن ایران در نزدیکی با گروه‌های شیعه در پاکستان منجر شد. روابط ایران و پاکستان در گذشته نزدیک ثباتی نداشته است. ایران از اقدامات اسلامی که دولت پاکستان در زمینه‌های مختلف انجام داده، استقبال کرده است، ولی وابستگی‌های پاکستان به ایالات متحده و گروه اسلام‌گرایان افراطی افغان یعنی طالبان، را مورد انتقاد قرار داده است به دنبال کشته شدن ضیاءالرحمان فاروقی، یکی از رهبران سنی رادیکال در یک بمب‌گذاری، در تاریخ ۱۹ ژانویه (روز بعد از واقعه) جمعیتی از سنی‌های معترض در شهر لاهور به طرف مرکز اطلاعاتی ایران در این شهر آتش گشودند.

آقای فاروقی رهبر سنی حزب سپاه صحابه پاکستان (SSP) در جلسه دادگاه لاهور حضور یافته بود تا در مورد قتل عده‌ای از شیعیان در کشتارهای فرقه‌ای پاسخ بدهد. حرکت جعفری پاکستان (TJP)، گروه رقیب شیعه، از طرف سپاه صحابه متهم شده بود که در انفجار بمب دست داشته است. ولی حرکت جعفری پاکستان این ادعا را تکذیب کرده و بمب‌گذاری را محکوم کرد. این مانع از آن نشد که طرفداران سپاه صحابه پاکستان دولت ایران را به پشتیبانی از حرکت جعفری متهم کنند و به مرکز اطلاعاتی ایران حمله ببرند. این حادثه تلفاتی نداشت، ولی احتمالاً به سختی باعث بروز تنش در روابط ایران و پاکستان شد که هر دو سعی دارند پیشرفت مسئله افغانستان را به پایان برند.

ترکیه تأیید می‌کند که منافعش در روابط خوب با ایران است: برعکس، روابط با ترکیه در جهت حفظ پایداری بهبود یافته است، اگرچه ایالات متحده بیشتر ترجیح می‌دهد که ترکیه حالت دفاعی خود را در برابر ایران

حفظ کند. در گذشته عواملی در داخل هیئت حاکمه ترکیه و نیروهای انتظامی این کشور، ایران را به خاطر حمایت از گروه‌های اسلام‌گرا در داخل ترکیه مورد انتقاد قرار می‌دادند. کلاً، دولت ترکیه پذیرفته است که منافع او در حفظ روابط دوستانه تا حد ممکن با ایران، بهتر تأمین می‌شود؛ البته این موضع با حضور هم‌زمان نجم‌الدین اربکان، نخست‌وزیر اسلام‌گرای ترکیه، تقویت می‌شود. ولی این فقط ناشی از سیاست‌های آقای اربکان نیست. ترکیه تصمیم مهمی در رابطه با متعدد کردن منابع تأمین انرژی خود در درازمدت اتخاذ کرده است (به قسمت نفت و گاز مراجعه شود). همچنین ترکیه معتقد است که سیاست تحدید نفوذ دو جانبه ایالات متحده بر علیه ایران و عراق یک موضع کوتاه‌مدت است برای نیل به یک سیاست پیگیر که در درازمدت ادامه یابد. در جهت تحکیم و بهبود روابط، آقای رفسنجانی در ماه دسامبر همراه آقای ولایتی و وزیر نفت، آقای آقازاده از ترکیه دیدن کرد. در این سفر چهارروزه مذاکراتی نیز در موضوع امنیت صورت گرفت که به فعالیت گروه‌های کرد در جنوب شرقی ترکیه مربوط می‌شد و موضوع‌های اقتصادی و تجاری نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. دولت ایران پیش‌بینی می‌کند که تجارت با ترکیه در سال آینده به بیش از یک میلیارد دلار خواهد رسید.

یک نامزد انتخاباتی جدید پیش‌گذاشته است: روزنامه انگلیسی زبان ایران نیوز، در ۲۱ ژانویه اعلام کرد که وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد خاتمی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری در ماه مه آماده می‌کند. حجت‌الاسلام خاتمی، که روحانی است، کسی است که با مواضع اجتماعی میانه‌روها همسویی دارد. او وزارت را در پی فشارهایی که از طرف راست محافظه کار اعمال می‌شد، ترک کرد. در حال حاضر او به عنوان نامزد متفرد خود را آماده می‌سازد و حمایت جناح طرفدار رفسنجانی، کارگزاران سازندگی، را به دست نیاورده است. با وجود این، از او به عنوان یکی از اعضای رهبری روحانی‌هایی باگرایش چپ، که با نام مجمع روحانیون مبارز شناخته می‌شود، یاد می‌کنند. این مجمع موضع مخالف فعالیت سیاسی روحانی‌هایی را دارد که کاندیدای جناح راست محافظه کار آن، رئیس مجلس، آقای ناطق نوری می‌باشد.

کارگزاران سازندگی مجدداً فعال شده‌اند: کارگزاران سازندگی، گروه طرفدار رفسنجانی، پس از یک دوره رکود که طی آن جناح راست خود را در صف مقدم سیاست ایران قرار داد، دوباره سر برآورده است. این گروه در ماه دسامبر بیانیه‌ای صادر کرد و در آن تأکید کرد که کاندیدای ریاست جمهوری که پیروز شود، باید «آزادی عقیده، بیان و نشر» را رعایت کند. بیانیه فوق به خصوص از این نظر حائز اهمیت است که تمایل گروه را برای مقابله با تسلط افزاینده جناح رادیکال اعلام کرده است. همچنین اعلام شده بود که کارگزاران سازندگی در نظر دارند کاندیدای خود را برای انتخابات معرفی کند، که احتمالاً حمایت ضمنی ریاست جمهوری را به دست خواهد آورد.

مبارزه با جناح راست: نامزد اصلی جناح راست، آقای ناطق نوری، به طور مشخصی از حمایت اعضای مهم دولت و حتی سازمان‌های روحانی بی‌بهره است، که بیش از پیش روشن می‌سازد که او با مخالفت‌های هماهنگ بیشتری مواجه خواهد شد، تا مخالفت‌هایی که آقای رفسنجانی در ۱۹۹۳ در برابر مخالفان وفادار داشت. در میان مخالفان احتمالی، برادر رئیس جمهور، محمد هاشمی و شهردار تهران، آقای غلامحسین کرباسچی و همچنین حدس زده می‌شود، دختر رئیس جمهور، فائزه هاشمی، دیده می‌شوند. ولی چون وجود هر یک از نامزدهای میانه‌رو احتمالی می‌تواند در عمل باعث تفرقه در میان میانه‌روها شود، بهترین شرط برای این گروه، نامزدی نخست‌وزیر سابق، میرحسین موسوی بود که خود را از مبارزات انتخاباتی

کنار کشید.

از جناح راست افراطی، یک وزیر سابق اطلاعات، محمدری شهری نامزد شده است که شانس او در این انتخابات قابل توجه نیست و احتمالاً نامزدی خود را برای اجتناب از ایجاد شکاف در آرای جناح راست، پس خواهد گرفت.

یک سرهنگ پلیس در شورش‌های کرمانشاه کشته شد: یک سرهنگ پلیس ایران و چند تن دیگر در شورش‌های شهر کرمانشاه در اواخر دسامبر کشته شدند. شورش در پی مرگ روحانی شیعه، محمد ربیعی نجفی، شروع شد و در مراسم خاک‌سپاری رهبر مذهبی در شهر جوانشیر، در همسایگی کرمانشاه که اکثریت با جمعیت سنی می‌باشد، پایان گرفت. تلویزیون دولتی اعلام کرد که چند تن در کرمانشاه دستگیر شده‌اند، ولی هیچ اسمی برده نشد. در حادثه‌ای وابسته به حادثه قبلی در پاوه، یکی از شهرهای مهم کردنشین در حدود ۱۰۰ کیلومتری شمال غربی کرمانشاه، ناآرامی‌های دیگری در روز بعد، در گرفت و جمعیت سنی به شایعه‌ای که در مورد علت مرگ آقای ربیعی منتشر شده بود، واکنش نشان داد.

انتظار نمی‌رود این نوع آشوب‌های خشن به هیچ نوع فروپاشی گسترده در قانون و نظم منجر شود. حوادث کرمانشاه و پاوه به طور تنگاتنگ به روابط شکننده بین دولت اکثریت شیعه در ایران و اقلیت کرد وابسته بود. در مناطقی مانند پاوه، تنش‌های مذهبی اغلب با تنش‌های قومی بین دولت و اقلیت کرد در هم می‌آمیزد.

### ۳- اقتصاد و سیاست اقتصادی

مخارج بودجه با قیمت‌های واقعی ۱۰ درصد افزایش می‌یابد: در اواخر نوامبر آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور با تقدیم لایحه بودجه به مجلس، مذاکرات در مورد بودجه سال ۱۳۷۶، (۲۱ مارس ۱۹۷۷ تا ۲۰ مارس ۱۹۸۸) را گشود. در این مورد، وی بر تعهد دولت بر خرج کردن منضبط با سعی در حمایت از اقشار کم درآمد تأکید کرد. در واقع بودجه کل مجموعه‌ای از درآمد و مخارج دولت مرکزی و عملیات شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت است. مازاد اندکی که برای سهم بودجه عمومی دولت نشان داده شده، کسری کلی را پنهان می‌دارد، که نمی‌توان مقدار آن را به طور دقیق از روی حساب‌ها آن‌طور که عرضه شده است، تعیین کرد. مخارج اسمی سال ۱۹۷۷-۱۹۷۸، که در بودجه کل بالغ بر ۱۸۸/۵ تریلیون ریال است (۱۰۷/۷ میلیارد دلار با نرخ ارز رسمی ۱ دلار = ۱۷۵۰ ریال یا ۶۲/۸ میلیارد دلار با نرخ ارز صادراتی ۱ دلار = ۳۰۰۰ ریال) که ۳۷ درصد بیشتر از رقم نظیر سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ است. در واقع براساس پیش‌بینی ۲۲ تا ۲۹ درصد نرخ تورم (نگاه کنید به ذیل)، بودجه به قیمت‌های ثابت ۱۰ درصد افزایش یافته است.

ارقام کامل نیستند: رقم کل بودجه شامل ۱۱۸/۶۵ تریلیارد ریال (اندکی کمتر از ۴۰ میلیارد دلار براساس نرخ ارز صادراتی ۱ دلار = ۳۰۰۰ ریال) بودجه شرکت‌های دولتی و ۷۴/۹۰ تریلیون ریال بودجه عمومی دولت است. رقم ۷۵ تریلیون ریال بودجه عمومی، افزایش اسمی ۳۶ درصد نسبت به مخارج دولت در سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷، که معادل ۵۵ تریلیون ریال بوده است، نشان می‌دهد که اگرچه در بودجه سال قبل ۶۱ تریلیون ریال برای مخارج در نظر گرفته شده بوده است اما درآمد بودجه عمومی دولت شامل ۳۱ تریلیون ریال درآمد نفت و گاز (۱۷/۷ میلیارد دلار به نرخ رسمی ارز) معادل ۴۱ درصد کل درآمد و ۲۵ درصد پیش‌بینی درآمد

مالیاتی می شود. از بُعد مخارج، ۲۹/۱ تریلیون ریال برای مخارج عمرانی در نظر گرفته شده است که ۱۱ درصد آن برای بخش نفت در نظر گرفته شده و برای پروژه های آب و برق به ترتیب ۸/۴ درصد و ۸/۱ درصد منظور شده است.

بودجه دولت (تریلیون ریال)

	۱۹۹۷-۱۹۹۶	۱۹۹۶-۱۹۹۵	
درآمد:	۶۱/۰۳	۴۶/۱۴	
نفت و گاز	۲۷/۹۸	۲۷/۴۵	
مالیاتی	۱۰/۷۴	۷/۲۴	
مخارج:	۶۱/۰۳	۴۶/۳۸	
عمرانی	۲۲/۰۰	۱۴/۸۰	
	۷۴/۹۰	۷۴/۹۰	
	۲۹/۱۰	۲۹/۱۰	

مأخذ: IMF، بانک مرکزی، گزارش های مطبوعات

یارانه ها کماکان رقم مهمی را تشکیل می دهد: یارانه ها در سال آتی نیز در بودجه منظور شده است که ۱/۴۲ میلیارد دلار آن برای مواد غذایی اصلی، نظیر برنج، گندم، روغن خوراکی و شکر در نظر گرفته شده است. این رقم اندکی کمتر از ۱/۴۶ میلیارد دلار است که برای همین منظور در سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ در نظر گرفته شده بود، ولی از رقم ۱/۲۵ میلیارد دلار تخصیص داده شده در سال ۱۹۹۵-۱۹۹۶ بیشتر است. با این حال، یارانه های اضافی برای تأمین هزینه های پزشکی - دارویی و سایر کالاها معادل ۵۰۰ میلیون دلار در نظر گرفته شده است؛ این رقم در سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ معادل ۳۳۸ میلیون دلار بوده است.

درآمد نفت براساس ۱۷/۵ دلار برای هر بشکه بودجه بندی شده است: بودجه براساس میانگین فرضی ۱۷/۵ دلار برای هر بشکه قیمت صادراتی نفت خام ایران، تهیه شده که ۲ دلار در هر بشکه بالاتر از قیمت پیش بینی شده واقعی بودجه بندی شده در ۱۹۹۶-۱۹۹۷ می باشد. درآمد فعلی نفت در ۱۹۹۶-۱۹۹۷ انتظار می رود به ۱۸ میلیارد دلار در مقایسه با پیش بینی بودجه در حدود ۱۶ میلیارد دلار برسد؛ که این رقم خود حدود ۲۰ درصد بالاتر از رقم مشابه در سال منتهی به مارس ۱۹۹۶ است. وقتی مذاکرات اصلی بودجه در ژانویه در مجلس صورت گرفت، رقم ۱۷/۵ دلار برای هر بشکه مورد بحث قرار گرفت. غلامرضا آقازاده، وزیر نفت، در جلسه مجلس مورد سؤال واقع شد و تعداد زیادی از نمایندگان پیش بینی قیمت نفت خام را خیلی محافظه کارانه خواندند. پیشنهاد اصلاح لایحه بودجه مبنی بر بالا بردن پیش بینی میانگین قیمت به میزان ۵۰ سنت و رساندن آن به ۱۸ دلار برای هر بشکه، توسط آقای آقازاده رد شد. او گفت این چنین محاسبه ای فقط به بازگرداندن مجدد طرح به مجلس و اصلاح آن در طول سال منجر خواهد شد.

صندوق بین المللی پول موفقیت های ایران را تأیید کرد: بانک مرکزی از نظرات صندوق بین المللی پول مبنی بر عملکردهای اقتصادی استقبال کرد. محمد جعفر مجرد، قائم مقام رئیس بانک در مصاحبه ای با آژانس خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران (IRNA) در اواخر دسامبر اعلام کرد که صندوق بین المللی پول عملکردهای مربوط به کاهش نرخ تورم، دستیابی به رشد بالای اقتصادی، پرداخت اصل و فرع وام ها و بازپرداخت اقساط معوقه را مورد تأیید قرار داده است. رئیس بخش صندوق بین المللی پول، «آنتونیو فور تادو» و مدیر بخش خاورمیانه، «آقای پل شابرین»، ظاهراً قبول دارند که دولت ایران

پیشرفت‌های قابل توجهی در بیرون آمدن از بحران بدهی در اوایل دهه ۱۹۹۰ به دست آورده است و هیئت کارشناسی آنها به نظر می‌رسد، ارقام بانک مرکزی را دایر بر رشد محصول ناخالص داخلی واقعی (به قیمت‌های ثابت) در حدود ۳/۵ درصد در سال منتهی به مارس ۱۹۹۷ تصدیق می‌کند.

مسائل مالی و سیاست‌های پولی: با این حال آنها تأکید می‌کنند که هنوز کار زیادی در آینده باقی مانده است. به خصوص، صندوق تذکر می‌دهد که اقتصاد هنوز بسیار زیاد به صادرات نفت وابسته است، که توازن پرداخت‌ها را نسبت به تغییرات قیمت نفت آسیب‌پذیر می‌سازد. قوت بازار نفت در ماه‌های اخیر متضمن منافعی برای ایران بود، ولی اقتصاد کشور در برابر احتمال تغییر سریع قیمت در جهت مخالف، نسبتاً بی‌دفاع باقی مانده است. محدودیت‌های وارداتی که مانع از آن شد ایران مازاد حساب جاری چشمگیری را، از سال ۱۹۹۴ ثبت کند، به نظر در درازمدت غیر قابل پیگیری هستند و صندوق بین‌المللی پول پرداخت مستمر یارانه، از جمله قیمت بسیار پایین سوخت و سیستم نرخ ارز چندگانه را مورد سؤال قرار داده است.

بانک مرکزی در پاسخ می‌گوید که سیستم چندگانه نرخ ارز در پایان برنامه توسعه پنج ساله جاری، در سال ۲۰۰۰، یکسان خواهد شد. از این گذشته، در پی دو برابر شدن قیمت محصولات نفتی در مارس ۱۹۹۵، دولت در نظر دارد برنامه افزایش ۲۰ درصد در سال، قیمت محصولات نفتی را در همان دوره، حفظ کند.

نرخ تورم ۲۹ درصد پیش‌بینی می‌شود: صندوق بین‌المللی پول نرخ تورم را برای سال جاری (۱۳۷۵) به طور متوسط ۲۹ درصد پیش‌بینی می‌کند، که نسبت به ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۴ خیلی خوب است، ولی هنوز بالاتر از پیش‌بینی بانک مرکزی، یعنی ۲۲ تا ۲۳ درصد می‌باشد. آقای مجرد در مصاحبه خود این رقم را عنوان کرد و به احتمال دستیابی به مازاد قابل توجه حساب جاری در ۱۹۹۷-۱۹۹۸ اشاره کرد (به تجارت خارجی و پرداخت‌ها مراجعه شود)، او گفت این باعث خواهد شد ایران از تأمین بودجه از صندوق بین‌المللی پول نجات پیدا کند. در واقع چنین مسئله‌ای نمی‌تواند مطرح باشد، صرف‌نظر از آن که چنین اقدامی در داخل کشور نیز مورد تأیید مردم نیست، حتماً از طرف واشنگتن نیز متوقف خواهد شد. تحریم‌های ایالات متحده ایجاب می‌نماید که مدیران امریکایی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پرداخت به ایران را و تو نمایند. با این حال صندوق بین‌المللی پول کمک‌های فنی در اختیار ایران قرار داده است و به نظر می‌رسد این خطر وجود ندارد که تحریم‌های ایالات متحده باعث پایان یافتن این روابط بشود.

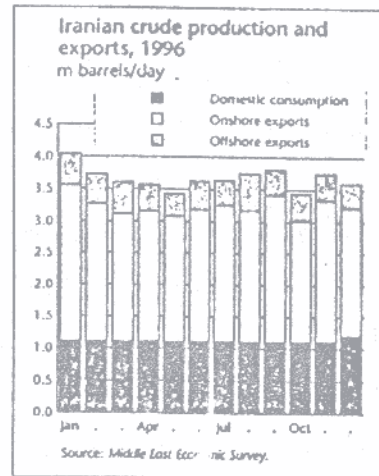
#### ۴- نفت و گاز

اوپک سهمیه‌ها را حفظ می‌کند: در ملاقات وزیران اوپک در ماه نوامبر در شهر وین، برای اجتناب از هر نوع خطری، سقف تولید موجود برای دولت‌های عضو، برای شش ماه دیگر تمدید شد. سهمیه‌های حاضر از سال ۱۹۹۳ معتبر هستند، به جز یک تغییر کوچک در سال ۱۹۹۶ که طی آن گابن از این سازمان کناره گرفت و عراق با سهمیه محدودی وارد بازار جهانی شد. سهمیه‌های حاضر به طور وسیعی نقض شده‌اند، ولی بالارفتن قیمت نفت در دو سال اخیر، اوپک را قادر ساخت تا از هر دو مسئله تولید اضافی یا تجدید نظر در سهمیه‌ها، اجتناب ورزد، که باعث بروز مواضع بحث‌انگیز خواهد شد. مانند این که برخی از تولیدکنندگان بر یکنواختی تأکید می‌کنند و دیگران به اولویت دادن معتقدند. قیمت‌های بین‌المللی نفت خام در سال ۱۹۹۶ به بالاترین مقدار خود از سال ۱۹۹۰-۱۹۹۱ زمان بحران خلیج (فارس)، رسید. در این سال متوسط قیمت

نفت خام وارداتی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) به ۲۰/۶ دلار برای هر بشکه رسیده است. علی‌رغم تولید اضافی این اعتقاد وجود دارد که بیشتر اعضای اوپک در حد ظرفیت و یا نزدیک به آن تولید می‌کنند، مگر موارد استثنایی عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی. در ماه اکتبر، ماه قبل از کنفرانس، برآورد شد که تمام کشورهای عضو به‌غیر از ایران و عراق بالاتر از سهمیه خود نفت تولید کرده‌اند. عراق به این علت که هنوز تصمیم نفت در برابر غذا از طرف سازمان ملل اتخاذ نشده بود. در مورد ایران نظر بر این است که تولید پایین، نتیجه تنگناهای داخلی بوده است. (به ذیل مراجعه شود). بنابراین کل مازاد تولید اوپک در ماه اکتبر ۶۰۰,۰۰۰ بشکه در روز بیش از سهمیه کل ۲۵/۰۳ میلیون بشکه در روز تخمین زده شده است و حال آن‌که اضافه تولید ماه‌های اوت، سپتامبر و اکتبر روی هم رفته، به‌طور متوسط براساس تخمین ۷۵,۰۰۰ بشکه در روز بوده است.

تولید نفت خام ایران و صادرات، ۱۹۹۶ (میلیون بشکه در سال)

- مصرف داخلی
- صادرات ساحلی
- صادرات فلات قاره



مأخذ: Middle East Economic Survey

تولید نفت ایران در سال ۱۹۹۶ به‌طور متوسط ۳/۷ میلیون بشکه در روز بود؛ میانگین تولید روزانه نفت خام ایران در سال ۱۹۹۶ به ۳/۶۶ میلیون بشکه در روز رسید که ۶۰,۰۰۰ بشکه در روز بیشتر از سهمیه اوپک می‌باشد و نزدیک به ۱۰۰,۰۰۰ بشکه در روز از میانگین تولید سال ۱۹۹۵ که ۳/۵۷ میلیون بشکه در روز بود، بیشتر است. در سرتاسر سال ۱۹۹۶ تولید از الگوی خاصی پیروی می‌کرد، که در طول سه یا چهار ماه از میزان سهمیه اوپک بیشتر تولید می‌شد و سپس طی یک ماه در حدی پایین‌تر از سهمیه تولید صورت می‌گرفت. این امر شاید بازتاب‌دهنده تنگناهای بالادستی باشد که شرکت ملی نفت ایران (NIOC) پیش از آن که به تولید بیشتری دست یابد، باید از پیش‌بردارد. همچنین تغییرات الگوهای تولید نفت ایران ممکن است باعث شده باشد که ورود دوباره عراق در پایان ماه دسامبر بر قیمت‌ها تأثیر نسبتاً آرامی بگذارد، زیرا تولید این ماه به سطح سهمیه اوپک بازگشت.

صادرات به ۲/۵۶ میلیون بشکه در روز رسید: صدور نفت خام نیز در سال ۱۹۹۶ به میانگین ۲/۵۶ میلیون بشکه در روز رسید، که در مقایسه با رقم ۲/۵۱ میلیون بشکه صادرات در روز در سال ۱۹۹۵ به علاوه بر ۱/۱ میلیون بشکه برای مصارف داخلی، بالا رفته است.

این رقم ادعای مدیر انستیتوی بین‌المللی مطالعات انرژی (IIES) در ماه مارس ۱۹۹۶ را تأیید می‌کند. که براساس آن رشد مصرف داخلی متوقف شده است. داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله این انستیتو، در مورد مصرف داخلی ایران در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵-۱۹۹۶)، مصرف داخلی را ۱/۱ میلیون بشکه در روز (سه ماهه دوم ۱۹۹۶، صفحه ۱۸) نشان می‌دهد.

حد بالای قیمت‌ها ۲۳/۶ دلار برای هر بشکه در ماه اکتبر است: طی ۱۲ ماه تا نیمه ژانویه میانگین قیمت نقدی نفت سبک ایران ۱۹/۲ دلار در هر بشکه بود و بالاترین قیمت آن به ۲۳/۶ دلار در هر بشکه در ماه اکتبر رسید. قیمت نفت سنگین خام نیز از همین الگوی بازار نقدی تبعیت کرده و میانگین قیمت آن در همین دوره ۱۸/۵ دلار در هر بشکه بوده است و در ماه اکتبر به بالاترین قیمت خود، ۲۲/۳ دلار در هر بشکه رسیده است. در نتیجه درآمد ایران از محل صادرات نفت خام در شش ماه اول سال ایرانی ۲۲/۳ درصد بیشتر از بودجه گزارش شده است (نگاه کنید به تجارت خارجی و پرداخت‌ها). بازگشت دوباره، ولی محدود عراق به بازار نفت براساس اجازه قطعنامه شماره ۹۸۶ شورای امنیت سازمان ملل، برای آن‌که اثری چشمگیر بر قیمت نفت خام ایران برجا گذارد، نیازمند زمان است، زیرا تاکنون بیشتر این نفت از راه لوله نفت به بندر سیهان (Ceyhan) ترکیه در کنار مدیترانه صادر می‌شده است و در نتیجه عمدتاً بر قیمت نفت خام اورال روسیه تأثیر می‌گذاشته است. شرکت ملی نفت ایران در زمینه نفت خام ایران قراردادهای فروش گسترده‌ای، از زمان خروج شرکت‌های ایالات متحده، از مه ۱۹۹۵، با بازارهای آسیایی منعقد کرده است.

برداشت نفت برای اروپا و آسیا: کل برداشت نفت برای آسیا از ۷۹۱،۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ به یک میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است، برداشت نفت اروپایی از ۳۸۰،۰۰۰ بشکه در روز به ۴۹۵،۰۰۰ بشکه در روز افزایش یافته است. این افزایش‌ها جای استحصال نفت برای ایالات متحده را گرفته است، که در چند ماه اول سال ۱۹۹۵، پیش از تحریم تجاری ماه مه، به میانگین ۲۰۰،۰۰۰ بشکه در روز برای تمام سال می‌رسیده است. غیبت ایالات متحده از ایران، در رابطه روی دیگر شرکت‌ها گشود. تا حضور خود را افزایش دهند، استحصال ایران از نفت بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ از میانگین ۱/۱ میلیون بشکه در روز به ۹۹۱،۰۰۰ بشکه در روز کاهش یافت و ۷۵ درصد آن به وسیله شرکت ملی نفت ایران صورت گرفته است.

قراردادهای معاوضه نفت خام با قزاقستان: به رغم تلاش‌های ایالات متحده برای منزوی کردن ایران، قرارداد نفت خام با قزاقستان در ماه ژانویه به اجرا درآمد و تا پایان ماه، پنج محموله نفت خام برای تحویل به پالایشگاه‌های ایران وارد این کشور شد. این قرارداد ابتدا در سفر «نور سلطان نظربایف»، رئیس‌جمهور قزاقستان، به تهران در ماه مه ۱۹۹۶ مورد توافق قرار گرفت، ولی اجرای آن چندین ماه به تأخیر افتاد و این تأخیر به هیچ وجه به خاطر نیاز به بررسی دوباره تمام جنبه‌های قرارداد، از بابت مشکلات بالقوه ناشی از تحریم‌های ایالات متحده نبود.

تنها نفت متعلق به دولت معاوضه می‌شود: در قرارداد نهایی تحویل روزانه ۴۰،۰۰۰ بشکه نفت به طور متوسط طی دو سال اول قرارداد ده ساله پیش‌بینی شده است که به ۱۲۰،۰۰۰ بشکه در روز تا سال ششم افزایش می‌یابد. برای آن‌که برای شرکت‌های امریکایی‌ای که در توسعه حوزه‌های نفتی قزاقستان فعالیت دارند،

مشکلی پیش نیاید، نفت خام موضوع قرارداد و معاوضه، نفت خام متعلق به خود دولت قزاقستان خواهد بود و نه از آن شرکت‌های خارجی «موبیل» و «شورون» که عضو کنسرسیومی هستند که برای توسعه حوزه نفتی تنگیز تشکیل شده است. این قرارداد را از طرف ایران شرکت ملی نفت ایران و از طرف قزاقستان یک شرکت تماماً متعلق به دولت، یعنی «مونای ایمپکس» اجرا می‌کنند.

آغاز تحویل نفت خام به این علت به تأخیر افتاد که زمان برای نیل به توافق بر سر میزان نفت خام مورد مبادله فراهم گردد. برای آن که نفت خام مناسب شرایط و الزامات تصفیه‌خانه‌های ایران باشد، نفت خام قزاقستان باید شبیه به نفت سبک ایران باشد. با یک شرکت روسی موسوم به «تلف» قراردادی بسته شد تا نفت خام را در بندرنکا در دریای خزر تحویل ایران دهد و یک شرکت ایتالیایی Anonima Petroli Italiana همان مقدار حجم نفت خام ایران از پایانه جزیره خارک در ایران، یا از پایانه مدیترانه در «سیدی کریر» در مصر تحویل خواهد گرفت. هزینه‌های ترانزیت و حمل از ارزش تخمینی نفت خام قزاقستان کسر خواهد شد تا رقم میزان تحویل نفت در خلیج مشخص گردد.

روسیه در اکتشاف نفت دریای خزر همکاری خواهد کرد: ایران و روسیه برای اکتشاف نفت در زیر دریای خزر همکاری خواهند کرد. دو کشور در اوایل ماه دسامبر، طی برگزاری کمیسیون اقتصادی مشترک خود که اخیراً تشکیل شده است، در مسکو اعلان داشتند که برای اکتشاف نفت یک شرکت حفاری تشکیل داده‌اند. طرح اولیه اکتشاف نفت در یک کنسرسیومی از دولت‌های حاشیه دریای خزر در ماه نوامبر آغاز شد که قزاقستان و آذربایجان را نیز دربر می‌گرفت، اما آن دو دولت تا روشن شدن وضعیت حقوقی منابع معدنی دریای خزر موضع خود را به حال تعلیق درآوردند.

تحویل گاز به ترکیه در ۱۹۹۸ آغاز می‌شود: موافقتنامه تدارک گاز که بین ایران و ترکیه در آگوست ۱۹۹۶ به امضا رسید، احتمالاً به دنبال دیدار آقای آقازاده از ترکیه در ماه نوامبر، به پیشرفت‌های دست‌یافته است. در جدول زمان‌بندی اولیه این پروژه، ساخت یک خط لوله انتقال گاز ایران به ترکیه تا سال ۱۹۹۹ پیش بینی شده بود. حجم گاز تحویلی افزایش خواهد یافت و نهایتاً در سال ۲۰۰۵ به حداکثر ۱۰ بیلیون مترمکعب در سال خواهد رسید، در بازدید آقای آقازاده، در این قرارداد بازنگری صورت گرفت و براساس آن عملیات احداث خط لوله در مارس ۱۹۹۷ آغاز خواهد شد و تا سال ۱۹۹۸ امکان تحویل اولیه ۳ بیلیون مترمکعب در سال فراهم خواهد شد، به‌رغم وزیران نفت دو کشور تغییر در جدول زمانی به علت پیشرفت در مباحثات فنی امکان یافته است. مدت اجرای قرارداد ۲۲ سال است و نهایتاً به تحویل ۲۰ میلیارد دلار گاز خواهد رسید. خط لوله برنامه زمانی جدیدی را دنبال می‌کند: مراسم افتتاحیه در مرز ایران و ترکیه و برای ماه مارس ۱۹۹۷ پیش‌بینی شده و مدارک مناقصه برای ساخت خط لوله بین تبریز تا ارزروم منتشر شده است. بخش طولانی خط لوله در خاک ترکیه، بین ارزروم و آنکارا در مرحله بعدی به مناقصه گذاشته خواهد شد. شرکت نفت دولتی ترکیه، بوتاس، در ماه دسامبر ساخت خط لوله ارزروم تا مرز را به مناقصه گذاشت که آخرین مهلت آن ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ می‌باشد.

وزیر نفت ترکیه، «ریکای کوتان»، در یک مصاحبه مطبوعاتی در آنکارا که برای اعلام جدول زمانی جدید تشکیل شده بود، نگرانی‌های امریکا را درباره قرارداد وارد ندانست و افزود که تصمیم تهیه گاز از ایران با توجه به منافع ملی ترکیه اتخاذ شده است، نه منافع امریکا. همچنین ترکیه در جهت سیاست تدارک منابع انرژی متعدد، اخیراً مذاکراتی با شرکت‌های روسی و مصری، برای امکان تحویل گاز، آغاز کرده است.

ترکمنستان به طرح سه جانبه ملحق می‌شود: همکاری بین ایران و ترکیه در زمینه انرژی با درگیر کردن کشور سوم، ابعاد گسترده تری یافته است. در اواخر دسامبر آقای آقازاده و آقای «کوتان» مجدداً دیدار کردند و این بار قائم مقام نخست وزیر ترکمنستان، «باتیر سارجایف» نیز به آنان ملحق شد تا یک قرارداد تفاهم سه جانبه، درباره تحویل گاز ترکمنستان به ترکیه از طریق شبکه خط لوله ایران امضا نمایند. قرارداد وابسته به تکمیل خط لوله ترکیه - ایران است، که گاز را از تبریز به ترکیه حمل کند. قرارداد تفاهم یک گروه کاری را مأمور کرده است تا مطالعات امکان پذیری را تا پایان فوریه ۱۹۹۷ انجام دهند.

اهداف متمرکز دولت در زمینه گاز: تصمیم دولت ایران در جهت به پیش راندن پروژه های گاز با تشکیل یک کنفرانس بین المللی گاز در جزیره آزاد کیش در خلیج (فارس)، در اواخر فوریه آشکار شد. شرکت بیشتر مقامات رسمی صنعت هیدروکربن و چندین شرکت بین المللی، میزان اهمیتی را که به این کنفرانس داده شده بود، روشن می‌سازد.

نفت فلات قاره نیز از اولویت برخوردار است: با تولید نفت فلات قاره در حدود ۵۵۰,۰۰۰ بشکه در روز، نسبت به ۳۵۰,۰۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۹۴، دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران در نظر دارند، ظرفیت تولید نفت فلات قاره را از طریق بندهای قرارداد با شرکت توتال، که در سال ۱۹۹۵ منعقد شد، توسعه دهند. بخش فلات قاره شرکت ملی نفت ایران رساندن تولید نفت از فلات قاره را به یک میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۰ هدف قرار داده است. در این پیش بینی بیش از ۳۰۰,۰۰۰ بشکه در روز مربوط به ایران و بقیه مربوط به شرکت های خارجی محاسبه شده است. انتظار می رود قرارداد مربوط به یکی از سه حوزه «بلال»، «دورود» و «سروش» در پایان سال جاری ایرانی در مارس ۱۹۹۷ به امضا برسد.

بازسازی شامل ناحیه سروش نیز می‌شود: یک شرکت ایرانی یعنی شرکت مهندسی فلات قاره (IOEC) که متعلق به شرکت ملی نفت ایران و وزارت صنایع سنگین می‌باشد و ریاست آن به عهده مهدی هاشمی، پسر رئیس جمهور است، در نظر دارد یک قرارداد «بای بک» برای کار در ناحیه سروش امضا کند. پروژه قرار است تولید نفت را در این ناحیه، که از سال ۱۹۷۹ به بعد و پس از ۱۲ سال بهره برداری، قطع شده بود، از سر گیرد. این حوزه نفتی در جریان جنگ با عراق دچار خسارات جدی شده است، هر چند که برخی تأسیسات دست نخورده باقی مانده است، غیر متحمل به نظر می‌رسد که بتوان کل آن را به وضعیت فعال بازگرداند. شرکت مهندسی فلات قاره برای اجرای یک برنامه نوسازی تلاش می‌کند و در نظر دارد برخی از تجهیزات موجود در منطقه را تجدید بنا کند و خطوط لوله را تعمیر نماید و همچنین چهار سکوی جدید برپا کند. در اصل انتظار می‌رفت منطقه سروش ۶۰,۰۰۰ بشکه در روز نفت تولید کند که این هدف به ۹۰,۰۰۰ بشکه در روز افزایش پیدا کرد. این پروژه حدود ۲۰۰ میلیون دلار هزینه دربردارد.

بودجه از طرف وست دویچ لاندس بانک تأمین شده است: بودجه قرارداد شرکت مهندسی فلات قاره از طریق دو وام وست دویچ لاندس بانک Westdeutsch Landesbank، آلمانی در کل به میزان ۱۶۰ میلیون دلار تأمین می‌شود. بنابر قول روزنامه قبرسی middle East Economic Survey (MESS)، قسمت اول این وام به مبلغ ۹۰ میلیون دلار برای پرداخت در اوایل سال جدید ایرانی، در پایان ماه مارس، آماده خواهد بود. بخش دوم وام بعد از یک سال یا ۱۸ ماه تأدیه خواهد شد. MESS گزارش می‌دهد که این وام صرفاً برای پروژه سروش پرداخت می‌شود و نمی‌توان آن را برای تأمین مالی ناحیه بلال منتقل کرد، که شرکت مهندسی فلات قاره برای آن نیز قرارداد دارد. این شرکت متعهد شده است که وام را از طریق درآمد فروش نفت خام مطابق

شرایط جاری قراردادهای اروپایی بازپرداخت نماید. نیاز شرکت مهندسی فلات قاره برای تأمین اعتبار ناحیه بلال، ممکن است به نفع دیگر طرف علاقه‌مند، یعنی شرکت مالزیایی «پتروناس» پایان یابد. پروژه‌های آینده تصویب مجلس را لازم دارد: اکنون که پروژه‌های اولیه به مرحله قرارداد رسیده‌اند، شرکت ملی نفت ایران توجه خود را به سوی مرحله دوم توسعه معطوف داشته است که برای آن نیز قراردادهای «بای‌بک» در نظر گرفته شده است. پروژه‌هایی که احتمالاً شامل پنج حوزه تنگه هرمز و دو حوزه در جزیره‌های همجوار خارک و لاوان می‌شود، به تصویب مجلس نیاز دارد. همکاری با عمان نیز ممکن است انجام پذیرد. در ماه ژانویه دولت‌های ایران و عمان توافق‌هایی را منعقد کردند که دو سال پیش براساس توسعه مشترک ساختار فلات قاره‌ای «هنگام» (بوخای غربی)، در تنگه هرمز شروع شده بود. این ساختار که شامل گاز و تبدیل گاز به مایع می‌باشد، در ایران با نام ناحیه «هنگام E» شناخته شده است، یکی از پروژه‌هایی است که انتظار می‌رود به صورت قرارداد بای‌بک به مناقصه گذاشته شود.

پارس جنوبی حتی نویدهای بیشتری می‌دهد: دیگر موردی که باید به صورت قرارداد بای‌بک به مناقصه گذاشته شود، استخراج گاز غیرهمراه در ساختار خاف و در زیر ناحیه سلمان و پارس جنوبی است. مورد اخیر عبارت از توسعه ناحیه عظیم قطر شمالی به آب‌های متعلق به ایران است. مطالعات جدیدی در این باره آغاز شده که مطابق آن سهم ایران از این ناحیه باید حتی وسیع‌تر از ناحیه متعلق به قطر باشد. پارس جنوبی در حال حاضر به صورت مرحله‌ای توسعه می‌یابد، اولین مرحله توسعه آن توسط یکی از شرکت‌های وابسته به شرکت ملی نفت ایران، به نام توسعه و مهندسی پترولوم (Pedeco)، تحت یک قرارداد منعقد در سال ۱۹۹۴ صورت می‌پذیرد.

چنین برمی‌آید که شرکت فرانسوی توتال اصلی با شرکت ملی نفت ایران از نیمه سال ۱۹۹۶، درباره مرحله دوم کار در پارس جنوبی که بالغ بر ۸۵۰ میلیون دلار است، وارد مذاکره شده است. این مرحله شامل حفر ۲۰ چاه برای ساختن سکوی تولید در دریا می‌باشد. در مرحله بعد گاز توسط لوله به یک پایانه ساحلی هدایت می‌شود. توتال قرارداد ساختمان سیری A و E را، که توسط شرکت امریکایی کونوکو و در پی دستور دولت کلیتون مبنی بر نفی شرکت‌های نفتی امریکایی از معامله با ایران رها شده بود، به دست آورده است. تحریم‌های ایالات متحده مشکلاتی به وجود آورده است: موفقیت برنامه شرکت ملی نفت ایران در توسعه تولید فلات قاره‌ای، علی‌رغم محدودیت‌هایی به دست آمده است که در صنعت نفت، توسط مجازات‌های امریکا علیه ایران وجود دارد. مع‌هذا برنامه دراز مدت شرکت نفت برای ادامه توسعه حفر چاه و نوسازی چاه‌های موجود فلات قاره، ظاهراً بدون آن‌که تحت تأثیر اقدامات ایالات متحده قرار گیرد، ادامه یافته است. شرکت ملی نفت ایران با مشکلاتی نیز برخورد کرده است که مشخصاً در تهیه تجهیزات بوده است. مشکل تهیه قطعات یدکی برای تجهیزاتی که در اصل توسط شرکت‌های امریکایی فروخته شده بودند، نیز تولید را در برخی نواحی تحت تأثیر قرار داده است.

پالایشگاه بندر عباس با مشکلات بیشتری روبه‌روست: در حال حاضر به نظر نمی‌رسد پالایشگاه جدید بندر عباس قبل از شش ماه اول سال جدید ایرانی، یعنی احتمالاً سپتامبر ۱۹۹۷ به جریان بیفتد. دو واحد اصلی پالایش نفت خام، که در آغاز امکان ظرفیت پالایش ۲۳۲،۰۰۰ بشکه نفت خام را در روز فراهم می‌سازد، احتمالاً در ماه مارس سفارش داده خواهد شد، ولی تاریخ شروع عملیات به احتمالی به عقب می‌افتد. علت آن تأخیر در ساخت اسکله بسیار مهمی است که جهت تسهیل تحویل نفت خام به پالایشگاه ساخته خواهد

شد. این آخرین سری تأخیرهایی است که در سفارش پالایشگاه پیش آمده که کارهای آن از سال ۱۹۹۰ شروع شده بود. یک سری واحدهای هیدروکراکینگ و واحدهای هیدروژن نیز سفارش داده شده، ولی جدول زمانی برای استقرار آنها هنوز مشخص نشده است.

## ۵- صنعت و مالی

در نطق مربوط به بودجه، توسعه صنعتی مورد تحسین قرار گرفت: آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور، در مراسم تقدیم بودجه ۱۹۹۷-۱۹۹۸ به مجلس (به بخش اقتصاد و سیاست اقتصادی مراجعه شود) دامنه پیشرفت در بخش صنعت، از زمان پایان جنگ ۱۹۸۰-۱۹۸۸ با عراق را متذکر شد. از سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹-۱۹۹۰) ارزش صادرات صنعتی ایران از ۱۵۰ میلیون دلار به ۱/۵ میلیارد دلار برنامه ریزی شده در سال جاری تا مارس ۱۹۹۷، رسیده است. آقای رفسنجانی به طور مثال، دوبرابر شدن تولید مس از ۴۳،۰۰۰ تن در سال در ۱۹۸۹-۱۹۹۰ به ۹۰،۰۰۰ تن در سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ و افزایش تولید اتومبیل سواری Saloon از ۵۰۰۰ واحد به ۸۱،۰۰۰ واحد را در همین دوره زمانی، یادآوری کرد. مطابق داده‌های رسمی، از مارس ۱۹۹۶، حدود ۶۰۰ کارخانه صنعتی راه‌اندازی شده است که تخمیناً ۱۸،۰۰۰ کار ایجاد می‌کند.

محصول شرکت ملی پتروشیمی (NPC) به ۸/۷ میلیون تن در سال افزایش یافته است: شرکت ملی پتروشیمی گزارش داد که به سود ناخالص ۷۷۹ میلیون دلار در سال ۱۳۷۴، ۱۲ ماه از مارس ۱۹۹۶ به بعد، دست یافته که نشان‌دهنده ۳۵ درصد افزایش نسبت به ۵۷۵ میلیون دلار به دست آمده در سال قبل می‌باشد. به هر حال سود خالص از ۲۲۱ میلیون دلار به ۱۴۹ میلیون دلار کاهش یافت تا وام دریافتی جهت تحقق بخشیدن به برنامه توسعه ۱۹۸۹-۱۹۹۴ این شرکت بازپرداخت شود. این موفقیت خوب نتیجه افزایش تولید از ۱/۲ میلیون تن در سال به ۸/۷ میلیون تن بود که ۲/۴ میلیون تن به حساب صادرات بود و ۴۰۸ میلیون دلار درآمد داشت. مطابق گزارش سالانه شرکت چهار پروژه عقب افتاده از برنامه سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۴ باقی مانده و این پروژه‌ها باید قبل از پایان مارس ۱۹۹۷ راه‌اندازی شوند. این پروژه‌ها شامل واحدهای بنزن و گزیلن در مجتمع بندر امام، پالایشگاه ۶۵۰،۰۰۰ تن در سال در تبریز و توسعه بیشتر مجتمع اراک می‌باشد.

مدیران بورس اوراق بهادار بر اصلاح ضوابط حاکم بر این بازار تأکید می‌کنند: در هفته‌های اخیر از قول الله‌وردی رجایی سلماسی، رئیس بورس اوراق بهادار تهران، نقل شده که دولت بایستی مقرراتی مانند محدودیت توزیع درآمد، راکه مانع سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران بین‌المللی در بازار تهران است، اصلاح کند. مدیریت بازار بورس مشتاق است از آنچه که به عنوان سال نوید بخش برای تجارت برآورد می‌کند، بهره‌برداری کند. آقای الله‌وردی به آژانس رویتر گفت که او مطمئن است که شاخص قیمت بازار سهام (Tepix) حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از نرخ تورم در ۱۹۹۷ فراتر خواهد رفت.

سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سهام روی هم تنها حدود ۲ درصد از سهام ارائه شده را تشکیل می‌دهد. این شاخص در پایان سال ۱۹۹۶ به ۱۹۶۷ واحد نسبت به ۱/۲۸۸ واحد در پایان سال ۱۹۹۵ رسید، که ارزش سرمایه‌ای بازار آن در پایان سال معادل ۲۹/۵ تریلیارد ریال (۹/۹ میلیارد دلار به نرخ ۳۰۰۰ ریال = ۱ دلار) ثبت شده است. محدودیت‌های نظام بانکی دولتی و سعی دولت در محدود کردن فعالیت بازارهای موازی در ارزش‌های محکم، احتمالاً کماکان به نفع بازار سهام خواهد بود. پس از رشد سریع بازار بورس در سال‌های

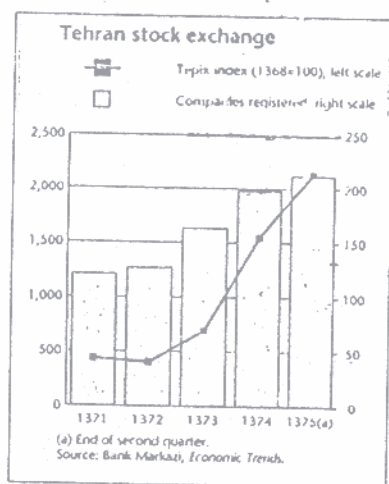
۱۹۹۵-۱۹۹۶. از سرعت این رشد در اوایل سال ۱۹۹۷ اندکی کاسته شد. ولی انتشار اوراق خصوصی سازی و اوراق مشارکت، که به منظور افزایش امکانات مالی پروژه های دولتی و مختلط صورت گرفت، باعث خواهد شد که میزان فعالیت در اواخر سال ۱۹۹۷ آهنگ بیشتری بگیرد. ۱۴ شرکت دیگر به طور مشروط در لیست بازار بورس پذیرفته شده اند، از جمله دو شرکت پتروشیمی، یک تولیدکننده مس و یک شرکت نورد فولاد. این اوراق مشارکت اساساً نوعی اوراق بهادار است که سرمایه داران سهمی از سود یک پروژه را به جای کسب بهره در طول مدت مشخص زمانی، به منظور تأمین الزام های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دست می آورند.

بازار بورس تهران

مقیاس سمت چپ (۱۳۶۸=۱۰۰) شاخص قیمت بازار سهام

مقیاس سمت راست - شرکت های پذیرفته شده.

مآخذ: بانک مرکزی - گرایش های اقتصادی.



### تجارت خارجی و پرداخت ها

مازاد حساب جاری نیمه اول به ۱/۹ میلیارد دلار می رسد: قیمت بالای نفت در شش ماه اول سال جاری ایرانی، که به ۲۰ مارس ۱۹۹۷ منتهی می شود، بر اساس داده های بانک مرکزی به مازاد تجاری نیمه اول سال بالغ بر ۳/۲۸ میلیارد دلار کمک کرد. با کسری نامرئی و قابل انتقال برای این دوره که EIU به ۱/۴ میلیارد دلار تخمین می زند، مازاد حساب جاری به میزان ۱/۸۷ میلیارد دلار برای دوره شش ماهه را خاطر نشان می سازد و مازاد تخمین ۵ میلیارد دلار برای کل سال، را تا زمانی که قیمت های نفت در ماه های اکتبر تا دسامبر به همان میزان بالا بماند، متذکر می شود. این سومین مازاد حساب جاری متوالی ایران است که از طریق انقباض واردات توسط دولت به دست آمده است.

صادرات به ۱۰/۷ میلیارد دلار افزایش یافته است: گسترش آثار قیمت های بالای نفت در بالا رفتن کل صادرات در شش ماهه اول سال ایرانی به ۱۰/۷ میلیارد دلار مشاهده می شود، که از آن ۹/۳ میلیارد دلار درآمد هیدروکربن ها بوده است. ارقام مربوطه برای نیمه سال های ۱۹۹۵-۱۹۹۶ به ترتیب عبارت از ۹/۵ میلیارد دلار و ۷/۷ میلیارد دلار بود. این پیشرفت حدود ۲/۸ میلیارد دلار برای صادرات غیر نفتی در سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ را در کل نشان می دهد. که از ۳/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵-۱۹۹۶ کمتر است. این کاهش نتیجه فقدان عوامل به کار رفته و فقدان سیاست تشویقی در صنایع مربوطه است. با این که واردات برای نیمه اول سال بالغ بر ۷/۵ میلیارد دلار بوده، کل نهایی برای سال احتمالاً نزدیک به ۱۳ میلیارد دلار خواهد بود، نه ۱۵ میلیارد دلار. این رقم فقط افزایش کمی را نسبت به ۱۲/۷ میلیارد دلار و ۱۲/۸ میلیارد دلار، رکوردهای به دست آمده در سال های ۱۹۹۴-۱۹۹۵ و ۱۹۹۵-۱۹۹۶ نشان می دهد.

موازنه پرداخت‌ها (دلار/۱۰۰۰)	نیمه اول ۱۳۷۴	نیمه اول ۱۳۷۵
کل صادرات از جمله:	۹/۴۲۸	۱۰/۷۲۸
نفت و گاز	۷/۷۳۲	۹/۳۲۷
غیر نفتی	۱/۶۹۶	۱/۴۰۱
واردات	-۶/۲۰۴	-۷/۴۵۲
موازنه تجاری	۳/۲۲۴	۳/۲۷۶
انتقالی و نامرعی	-۸۶۵	-۱/۴۰۹
موازنه حساب جاری	۲/۳۵۹	۱/۸۶۷

۱- مناظر با آوریل - سپتامبر ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶.

مأخذ: بانک مرکزی، روند اقتصادی

۱۱/۳ میلیارد دلار بازپرداخت وام برای سال ۱۹۹۸-۱۹۹۷ برنامه‌ریزی شده است: بانک مرکزی کل وام دریافتی را ۲۰/۴ میلیارد دلار اعلام کرد که از ۲۱/۹ میلیارد دلار در ماه مارس کمتر است. بانک در بولتن خود با اعلام تقلیل برای سه ماهه دوم سال ۱۳۷۵ (ژوئیه- سپتامبر ۱۹۹۶) کل تعهدات را «فعلی و احتمالی» که شامل «اعتبارات اسنادی گشایش شده که هنوز پرداخت نشده‌اند و بهره آتی» است، ۳۳/۷ میلیارد دلار اعلام کرد که از رقم ۳۲/۷ میلیارد دلار ذکر شده در ماه مارس ۱۹۹۶، بالاتر است. روش بانک مرکزی در گزارش مربوط به وام‌های فاقد تمیز بین پرداخت اصل و بهره وام‌ها، یا بین وام کوتاه مدت و وام میان مدت است. با این همه روشن است که تعهدات ایران هنوز اساسی است و در سال ۱۹۹۷ مبلغی بالغ بر ۷/۱ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۸، ۴/۲ میلیارد دلار بازپرداخت وام خواهد داشت.

بانک جهانی با اعطای اعتباری برابر با ۶۰۰ میلیون دلار موافقت می‌کند: بانک جهانی در نیمه دسامبر اعلام کرد که پذیرفته است تسهیلات اعتباری معادل ۶۰۰ میلیون دلار به صورت ۲۵ ساله به ایران واگذار کند. این تسهیلات باید برای تأمین عملیات فاضلاب، سیستم‌های پیشگیری از سیل، شبکه‌های آبیاری و برق، همراه با توسعه خدمات پزشکی در مناطق دور افتاده به مصرف برسد.

تقاضای ایران برای عضویت در WTO با فشارهای ایالات متحده متوقف ماند: تقاضای دولت ایران برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت (WTO) زمانی متوقف شد که نمایندگان ۱۲۵ عضو این سازمان در رسیدن به توافق که به ایران اجازه می‌داد نمایندگان خود را به کنفرانس وزیران در ژانویه به سنگاپور بفرستد، ناکام ماند. سخت‌ترین مخالفت‌ها توسط مقامات رسمی ایالات متحده اقامه شد که می‌گویند آنها هیچ امیدواری واقع‌بینانه‌ای ندارند که ایران حتی به رژیم تجاری لازم جهت عضویت در این سازمان نزدیک شود.

WTO در اکتبر ۱۹۹۶ تأیید کرد که ایران تقاضای پیوستن به این سازمان را داده است. با این همه تهران در جهت کاربرد آن حرکتی جزئی داشته است. علت آن اختلافات مستمری است که در یک طرف آن کابینه‌ای که تکنوکرات‌ها در آن به ریاست رئیس‌جمهور در اکثریت هستند که برای آنها آزادسازی تجارت امری اساسی است و در طرف دیگر ائتلافی از جناح‌های محافظه کار هستند که مخالف آن می‌باشند. حامیان برجسته عضویت عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی و محمد نعمت‌زاده، وزیر صنایع هستند. در مقابل آنها روحانیان محافظه کار و تجار سنتی صف کشیده‌اند که ممکن است تسلطی را که هم اکنون بر تجارت اعمال می‌نمایند، از دست بدهند.

تجارت با شرکای عمده (به ۱۰۰۰ دلار متوسط ماهانه)

ایتالیا		فرانسه		بریتانیا		ژاپن <sup>۱</sup>		آلمان		صادرات به ایران (فوب)
ژانویه-دسامبر ۱۹۹۵	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۴	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۵	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۴	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۵	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۴	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۵	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۴	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۵	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۴	
۰	۰	۷۷	۴۶	۳	۲	۰	۰	۱۴۴	۴	فراورده‌های (لبنی)
۱	۰	۴۲۶	۱۱۴	۶۸۵	۲۷۹	۰	۰	۴۹۷	۲۲۲	غلات و محصولات
۲۳۴	۳۵۱	۴۵۴	۱۹	۲۱۲	۲۱۸	۳۹	۱۵	۱۴۲	۹۵	فراورده‌های پتروشیمی
۱۱۸	۵	۲۷	۲۳	۴۲	۱۸	۱۳	۴	۱۴۷	۲۴۳	چربی‌ها و روغن حیوانی و گیاهی
۵۶۸۲	۷۳۶۳	۴۶۶۸	۴۸۱۹	۱۰۲۰۷	۹۲۵۰	۳۰۹۸	۶۹۴۱	۱۸۱۰۹	۱۵۳۴۵	مواد شیمیایی
۱۴۴	۲۵۷	۱۶۷	۲۳۷	۲۶۱	۲۶۷	n/a	۱۳۵۷	۵۶۹	۳۲۶	فراورده‌های لاستیک
۲۲۶	۳۴۶	۷۵	۱۳۳	۳۷۱	۱۹۸	۲۱۶	۳۴۵	۱۳۲۶	۱۲۲۲	نخ نساجی، پارچه، فراورده
۳۳۰۸	۲۴۵۶	۱۳۴۰	۱۳۷۶	۲۶۴۱	۱۵۶۰	۵۸۲۷	۸۰۶۷	۱۳۳۶۵	۴۳۶۹	آهن و فولاد
۵۴۲	۱۶۴	۱۸	۸۶	۳۲۸	۳۷۱	۱۴	۴۰	۱۴۷۸	۱۲۱۰	فلزهای غیر آهن
۲۸۱۲	۲۵۳۰	۵۷۶	۱۵۳۵	۱۵۲۲	۹۴۴	۷۱۷	۱۸۴۵	۲۱۲۷	۲۳۷۸	فراورده‌های فلزی
۲۳۱۹۵	۳۹۱۵۰	۲۳۱۶۷	۴۳۵۲۳	۲۱۷۵۷	۲۰۱۷۳	۲۳۵۰۶	۴۳۴۸۳	۶۸۸۲۱	۷۰۹۳۲	ماشین‌آلات شامل الکتریسیته
۹۱۲	۹۲۲	۲۰۴۲	۷۰۸۴	۴۷۳۱	۲۷۶۶	۷۶۵۴	۷۴۱۷	۳۵۷۴	۶۶۴۳	وسایل نقلیه جاده‌ای
۰	۱	۱۸۳۲	۱۷۸۷۶	۱۲۳	۲۱۵	۲۷۲	۱	۶۰۳	۱۱۶۷	سایر تجهیزات حمل و نقل
۱۲۱۷	۲۴۲۳	۷۴۳	۱۵۶۶	۳۸۶۰	۲۰۷۹	۴۹۲	۲۷۰۲	۵۹۵۴	۴۵۷۹	دستگاه‌های علمی
۴۲۷۹۱	۶۰۱۲۸	۴۷۱۶۸	۶۸۴۸۳	۵۰۴۴۵	۴۳۷۲۹	۵۵۰۵۰	۷۷۴۲۹	۱۳۷۲۱۹	۱۳۱۶۰۰	کل شامل سایر اقلام

۱- ارقام نقل شده از حساب طرف‌های تجاری.

واردات از ایران سیف

هلند		آلمان		فرانسه		ایتالیا		ژاپن <sup>۲</sup>		واردات از ایران (سیف)
ژانویه-دسامبر ۱۹۹۵	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۴	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۵	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۴	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۵	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۴	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۵	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۴	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۵	ژانویه-دسامبر ۱۹۹۴	
۴۹۷	۴۱۹	۱۳/۶۶۴	۱۲/۴۳۲	۳/۳۷۳	۳/۵۳۵	۲/۷۰۴	۲/۰۹۵	۲/۵۳۲	۲/۱۴۷	میوه، سبزیجات و محصولات
۰	۰	۱	۰	۱	۰	۸/۲۵۳	۷/۱۸۷	۰	۰	پوست - سالدمیر
۱۰	۰	۹۴	۷۹	۴	۱۱	۸۸۳	۳۷۰	۱۱۳	۵۵	پشم و سایر موی حیوان
۰	۰	۲۳۰	۹۲	۰	۰	۱۱۷	۹	۰	۰	پنبه، خام
۶۷۶	۶۲۵	۲۸۶	۴۰	۱۰	۰	۸۸۵	۴۵۵	۱/۳۷۱	۵۶۰	کلونچه‌های کانی و قراضه
۵۸/۲۰۳	۷۸/۴۵۷	۱۵/۹۷۲	۱۸/۹۸۷	۱۰۶/۵۹۹	۷۴/۸۹۹	۱۱۹/۰۱۵	۶۳/۰۷۴	۲۱۸/۰۹۷	۲۲۹/۰۰۷	پتروشیمی و فراورده‌ها
۲۲۱	۲۶۱	۳۰/۶۹۳	۳۱/۵۶۸	۲/۳۹۰	۳/۵۳۴	۶/۴۴۵	۷/۲۶۳	۳/۴۶۹	۳/۳۶۷	نخ نساجی، پارچه، فراورده
۵۵۹	۹۵۶	۲۶۳	۳۰۲	۲۲۰	۴۴	۶۰	۶۱۶	۲۱	۲۱	ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل
۶۲/۵۳۴	۸۲/۶۰۱	۶۷/۸۷۹	۶۸/۹۶۸	۱۱۴/۵۰۹	۸۶/۵۷۶	۱۴۴/۴۷۷	۸۵/۲۶۶	۲۳۵/۳۰۶	۲۴۳/۶۹۹	کل شامل سایر اقلام

۲- واردات ژاپن از ایران به طور متوسط ۲۳۵/۱ میلیون دلار و ۲۳۹/۳ میلیون دلار در ماه برای دوره ژانویه - سپتامبر ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ می‌باشد. صادرات ژاپن به ایران به طور متوسط ۵۵۰۴ میلیون دلار و ۵۲/۵ میلیون دلار در ماه برای دوره ژانویه - سپتامبر ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ می‌باشد.

\* مأخذ: آمارهای تجارت خارجی سازمان ملل - سری D سرویس آماری انگلستان MM20 - Business Monitor

شاخص های سه ماهه و داده های تجاری، شاخص های سه ماهه فعالیت اقتصادی

۱۹۹۶				۱۹۹۵				۱۹۹۴			
چهارم	سوم	دوم	سه ماه اول	چهارم	سوم	دوم	سه ماه اول	سه ماه چهارم	سه ماه سوم	تولید در روز	تولید
۳/۶۶۱	۳/۷۱	۳/۶۲	۳/۶۹	۳/۶۸	۳/۶۵	۳/۶۵	۳/۹۲	۳/۶۳	۳/۶۰	میلیون بشکه	نفت خام
۴۷۱/۱۲	۴۵۷/۴	۴۵۵	۴۲۲/۴	۳۹۰/۲	۳۶۵/۱	۳۵۳/۳	۲۹۵/۸	۲۶۱/۴	۲۴۰/۵	متوسط ماهانه	قیمت ها
n/a	۲۵/۳	۲۸/۸	۴۲/۸	۴۹/۳	۵۱/۸	۵۵/۴	۴۱/۴	۳۶/۶	۳۲/۸	۱۹۹۰=۱۰۰	قیمت های مصرف کننده
۶۴۴۲	۶۴۰	۶۱۶	۵۶۵	۵۲۷	۴۹۷	۴۶۰	۳۷۵	۳۳۳	۲۹۷	درصد	تغییرات سالانه
										۱۹۹۰=۱۰۰	عمده فروش، عمومی
n/a	۴۲/۴۲۰	۳۹/۲۳۲	۳۸/۸۲۰	۳۵/۶۶۱	۳۳/۶۹۷	۳۱/۸۰۶	۲۹/۴۴۶	۲۶/۳۷۱	۲۴/۰۸۲	پایان سه ماه	پول
n/a	۲۵/۹	۲۳/۴	۳۱/۸	۳۵/۲	۳۹/۹	۴۷/۵	۳۸/۹	۴۱/۶	۳۹/۱	(۲۰ هر ماه)	تعدیل های فصلی M1
										میلیارد ایران	تغییرات سالانه
	(n/a)				(۱۸/۹۰)			(۱۹/۱)		درصد	تجارت خارجی
	(n/a)				(۱۲/۵۶)			(۱۲/۰۶)		کل سالانه	صادرات فوب
										میلیارد دلار	واردات سیف
۱/۷۴۹۰۱۴	۱/۷۶۰۳۴	۱/۷۴۹۰۴۶	۱/۷۴۳۰۷۰	۱/۷۴۷۰۵۰	۱/۷۳۳۰۰۳	۱/۷۴۴۰۶۷	۱/۷۴۳۰۷۶	۱/۷۳۵۰۹۷	۱/۷۴۸۰۷۸	پایان سه ماه	نرخ ارز
										ریال:دلار	نرخ بازار

تذکر: ارقام سالانه بیشتر سری های نشان داده در بالا را می توان در Country Profile پیدا کرد.

۱- تخمین. تخمین برای ژانویه ۱۹۹۷، ۳/۷۱.

۲- متوسط برای اکتبر - نوامبر.

۳- تخمین Dots

مأخذ: IEA، گزارش ماهانه بازار نفت / IMF، آمارهای مالی بین المللی / IMF، آمارهای بخش تجارت، کتاب سال.